

## فرا ترکیب پژوهش اعتماد اجتماعی در ایران:

### ارائه چارچوب و الگویی جامع و یکپارچه

(بررسی کلیه مقالات ۲۰ ساله علمی پژوهشی طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۱۸

کد مقاله: ۴۱۰۲۸

محمدعلی زکی<sup>۱</sup>

#### چکیده

اعتماد اجتماعی از اجزای ضروری زندگی اجتماعی بوده و به منزله یکی از مفاهیم کانونی جامعه‌شناسی تلقی می‌شود. علایق جامعه‌شناسان در بررسی و تبیین اعتماد در طی دو دهه اخیر رشد سریع و فزاینده‌ای از خود نشان داده است. بدون انسجام اجتماعی و اعتماد، پایداری نظم اجتماعی امکان‌پذیر نیست. اعتماد اجتماعی تکیه‌گاه روابط اجتماعی و نیز اولین جزء اساسی نظریه‌های نوین سرمایه اجتماعی است. اعتماد اجتماعی را می‌توان به عنوان مجموعه‌ای از انتظارات، تعهدات اکتسابی و به لحاظ اجتماعی تأیید شده در نظر گرفت که افراد نسبت به یکدیگر و نسبت به سازمان‌ها و نهادهای مربوط به زندگی اجتماعی خود دارند. اعتماد اجتماعی به مثابه پدیده اجتماعی تلقی شده و اصول پنج‌گانه جامعه‌شناختی تحلیل دورکیمی آن عبارتند از: «ماهیت و چیستی»، «الگوهای اجتماعی»، «همبسته‌ها»، «پیشایندها» و «پسایندهای پدیده‌های اجتماعی». طی بیست سال گذشته، با توجه به اهمیت اعتماد اجتماعی در ایران، تحقیقات متعددی در این خصوص انجام شده است. با توجه به فراوانی و تنوع تحقیقات انجام‌شده، نیازهی انجام تحقیقات ترکیبی مثل فرا ترکیب در این حوزه احساس می‌شود. هدف اصلی پژوهش حاضر ارائه چارچوب و الگویی جامع و یکپارچه در خصوص اعتماد اجتماعی در ایران خواهد بود. تحقیق از نوع فرا ترکیب خواهد بود. اطلاعات تحقیق با استفاده از چهار منبع اینترنتی پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (sid.ir)، پایگاه اطلاع‌رسانی نشریات علمی ایران (magiran.com)، پایگاه مجلات تخصصی نور (Noormags.ir)، پرتال جامع علوم انسانی (Ensani.ir) جمع‌آوری شده است. یافته‌های تحقیق حاضر حاکی از آن داشته که طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰ تعداد ۲۳۶ مقاله در موضوع اعتماد اجتماعی در ایران ثبت شده است. نتایج استفاده از روش فرا ترکیب تحقیق را قادر به ارائه چارچوب و الگویی جامع و یکپارچه تبیین اعتماد اجتماعی در ایران نموده است. بر اساس مدل پیشنهادی اعتماد اجتماعی قابل تفکیک و تبیین در چهار بخش به ترتیب فراوانی عبارتند از: پیشایندها (۴۶ درصد)، پسایندها (۳۸ درصد)، وضعیت (۱۱ درصد) و کلیات (۵ درصد) بوده است. بیشترین عوامل موثر بر اعتماد اجتماعی در ایران اختصاص به دینداری (۲۸ مقاله)، احساس امنیت اجتماعی (۲۷ مقاله)، طبقه اجتماعی (۱۹ مقاله)، دگرخواهی (نوع دوستی) و رسانه‌های جمعی (هر کدام ۱۱ مقاله)، تحصیلات و رضایت از زندگی (هر کدام ۹ مقاله) داشته‌اند. بیشترین اثرات اعتماد اجتماعی اختصاص به دو متغیر مشارکت اجتماعی (۲۰ مقاله) و احساس امنیت اجتماعی (۱۳ مقاله) داشته است.

واژگان کلیدی: اعتماد اجتماعی، فرا ترکیب، مجلات علمی، مدل جامع.

«بحث سرمایه اجتماعی بازننگری نظری در جامعه‌شناسی ایران شده و هم‌چنین در انجام پژوهش اجتماعی به متغیرهای جدیدی چون اعتماد اجتماعی، روابط اجتماعی، کنش اجتماعی و نهادها و سازمانهای اجتماعی در فهم و درک مسیر حرکت جامعه توجه شده است» (آزاد ارمکی و اسدی دربندی، ۱۳۸۹)

اعتماد یکی از جنبه‌های مهم روابط انسانی و اجتماعی در میان افراد، گروه‌ها و نهادهای اجتماعی است و در جریان تعاملات اجتماعی و فرآیند روابط اجتماعی و کنش‌های متقابل بین افراد، گروه‌های اجتماعی و سازمان‌ها با یکدیگر تبلور می‌یابد. اعتماد نتیجه تعاملات اجتماعی موجود و گروه‌ها و انجمن‌ها و فعالیت‌های اجتماعی است. اعتماد نقش مهمی را در ایجاد نظم و همبستگی اجتماعی و نیز حفظ آنها بر عهده دارد. در عین حال، اعتماد اجتماعی، از عناصر مهم در پذیرش و همدلی اجتماعی محسوب می‌شود و در عین حال، بستر تعاملات اجتماعی و کانون مفهوم سرمایه اجتماعی است. اعتماد اجتماعی از شرایط و الزامات عمده و کلیدی برای موجودیت هر جامعه محسوب می‌شود و برای حل مسائل و آسیب‌های اجتماعی ضروری به نظر می‌رسد بطوری که باعث پیدایش آرامش و امنیت روانی می‌گردد و برای حرکت موفقیت‌آمیز اقتصاد و افزایش مشروعیت نظام و توسعه سیاسی و اجتماعی ضرورت دارد. اعتماد به عنوان عنصری تاثیرگذار، می‌تواند تمام جنبه‌های زندگی بشری را شکل داده و زندگی اجتماعی را ممکن و آسان سازد. اعتماد اجتماعی یکی از مهمترین مولفه‌های توسعه اجتماعی و گسترش مدرنیته است.

اعتماد اجتماعی از اجزای ضروری زندگی اجتماعی است. اعتماد اجتماعی مهمترین وجه شاخص در مطالعات سرمایه اجتماعی است. اعتماد اجتماعی، به عنوان مهم‌ترین سازه سرمایه اجتماعی و از مهم‌ترین مفاهیم مطرح در حوزه علوم اجتماعی معاصر است. چرخش ساختار اجتماعی و تغییرات همه‌جانبه در عرصه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه مدرن و مخاطرات ناشی از این تغییرات توجه به این مفهوم را جدی ساخته است. با اهمیت یافتن اعتماد اجتماعی در جامعه معاصر، به تدریج این مفهوم در نزد سیاستگذاران، برنامه‌ریزان و دولتمردان از جایگاه خاصی برخوردار شد تا جایی که سنجش سرمایه اجتماعی و به تبع آن اعتماد اجتماعی در قانون برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی کشور، نیز مورد توجه قرار گرفت.

مفهوم اعتماد اجتماعی از مفاهیم کلیدی و کانونی جامعه‌شناسی بوده و از آغاز طرح مباحث جامعه‌شناسی، اندیشه بسیاری از صاحب‌نظران کلاسیک را به خود معطوف کرده است. در نزد جامعه‌شناسی کلاسیک، بدون انسجام اجتماعی و اعتماد، پایداری نظم اجتماعی امکان‌پذیر نیست. اعتماد متقابل اجتماعی مردم یکی از عناصر اصلی نظم اجتماعی است. اعتماد اجتماعی عنصری حیاتی و مایه قوام جامعه است و ارتباط ناب منوط به اعتماد متقابل است. اعتماد در یک جامعه مانند شیرازه‌ای است که افراد یک جامعه را به هم پیوند می‌دهد و از انفصال و پراکندگی آنها جلوگیری می‌کند. اعتماد به لحاظ روانشناختی باعث پیدایش آرامش، امنیت و سلامت روان خواهد شد. به لحاظ اجتماعی، اعتماد پیش شرط عمده و کلیدی برای موجودیت هر جامعه‌ای محسوب می‌شود که به مشخصه‌های روابط اجتماعی تکیه می‌کند. چرخش شاخص‌های توسعه از مؤلفه‌های اقتصادی به سوی عوامل اجتماعی و فرهنگی، منجر به ورود مقولات جدیدی همچون اعتماد به عرصه توسعه شده است. طرح مقوله اعتماد، در واقع رشد نوعی جهت‌گیری فرهنگ محور در جامعه می‌باشد و به تعبیر زتومکا مصداق گردش از مفاهیم سخت اقتصادی به سوی مفاهیم نرم فرهنگی است.

«علائق جامعه‌شناسان در بررسی و تبیین اعتماد در طی دو دهه اخیر رشد سریع و فزاینده‌ای از خود نشان داده است. سوالات اصلی مطرح شده در باره اعتماد اجتماعی مدنظر می‌باشد که مجموعه‌ای قوی از ادبیات در حال ساخت و جستجوی این سوالات است که عبارتند از: ماهیت آن چیست؟ چه زمانی تضمین می‌شود؟ چه شرایطی آن را تحریک، پایدار و تقویت می‌کند؟ و چه چیزی آن را فرسایش داده و نابود می‌کند؟ آنچه از نظر تجربی کمتر مورد مذاقه قرار گرفته عبارتند از: الف) چگونگی سنجش و اندازه‌گیری اعتماد اجتماعی (و شیوع آن در جوامع مختلف)، ب) چگونگی (و چرایی) ارتباط آن با برخی از سیستم‌های سیاسی و (ج) هم‌چنین مطالعات تطبیقی چگونگی تفاوت‌های اعتماد اجتماعی بین ملت‌ها» (وردوچی و اشروتر، ۲۰۲۰)

«ما با اعتماد به عنوان جنبه‌ای از رابطه بین دو یا چند بازیگر رفتار می‌کنیم و بنابراین از آن به عنوان اعتماد رابطه‌ای یاد می‌کنیم. اعتماد زمانی وجود دارد که یکی از طرفین رابطه معتقد باشد که طرف مقابل انگیزه‌ای دارد که به نفع او عمل کند یا منافع خود را جدی بگیرد. دو بعد اصلی اعتماد عبارتند از: (۱) شایستگی یا قابلیت اطمینان (آیا می‌توان به شما اطمینان داشت که کار یا عملی را که انجام داده‌اید، به شیوه‌ای مناسب انجام دهید؟) و (۲) امانت (درستی، صداقت و تعهد به "حداقل ضرر" نرساندن با احترام به من در یک موقعیت خاص (کوک و گرباسی، ۲۰۰۹). «از حدود سال ۱۹۸۰، موج جدیدی از نگرانی نظری با اعتماد ظهور کرد (زتومکا، ۲۰۰۱). البته این نگرانی نتیجه دو مطلب بود: (۱) درک این نکته که اعتماد اجتماعی و سیاسی رو به زوال است و (۲) این استدلال که اعتماد برای یک جامعه خوب و برخوردار از رشد اقتصادی و هماهنگ ضروری و لازم است (لوی، ۲۰۰۱)» (به نقل از مارش، ۲۰۱۹). «اعتماد اجتماعی در سطوح خرد و کلان می‌تواند زمینه ایجاد احساسات مثبت و منفی را در فرد نمایان کند. اعتماد اجتماعی با توجه به دو رهیافت روان‌شناختی و جامعه‌شناختی، قابل بررسی است. رهیافت روان‌شناختی، اعتماد را به عنوان ویژگی فردی مطرح می‌کند و بر نقش احساسات و عواطف فردی، تأکید می‌ورزد. رهیافت جامعه‌شناختی، اعتماد را به عنوان ویژگی روابط اجتماعی یا نظام اجتماعی در نظر می‌گیرد. برآیند این دو دیدگاه، دیدگاه ترکیبی است. این دیدگاه سعی دارد به جای تأکید صرف بر عوامل روانی یا عوامل اجتماعی، مجموعه‌ای این عوامل را در نظر بگیرد» (گروس، ۲۰۰۴).

«اعتماد برای درک پویایی روابط اجتماعی کلیدی است، تا آنجا که غالباً به عنوان چسبی که جامعه را به هم چسبیده نگاه می‌کند. در تحلیل اعتماد اجتماعی، بیشتر به بررسی اثرات اعتماد توجه می‌شود تا شرایط و عوامل موثر در آن. چنین رویکرد پدیدمی تضمین می‌کند که جامعه‌شناسی اعتماد همچنان بینش مهمی در مورد عملکرد جامعه مدرن در سال‌های آینده فراهم می‌کند. دانشمندان علوم اجتماعی مدتهاست اصرار دارند که بدون اعتماد، جامعه همانطور که می‌دانیم امکان پذیر نیست؛ بنابراین جای تعجب نیست که اعتماد در مرکز تحقیق جامعه‌شناسی است. تا به امروز، مطالعه اعتماد در راس جامعه‌شناسی باقی مانده است که اغلب ناشی از این استدلال است که اعتماد زمینه‌ساز انواع نتایج کلیدی برای جامعه است، مانند عمل مقابله به مثل (عمل متقابل) (هایاشی و همکاران، ۱۹۹۹)، کنش جمعی (اوستروم، ۱۹۹۸)، همبستگی (ملم، ۲۰۰۷)، برابری (اسمیت، ۲۰۱۰)، نظم اجتماعی (کوک، ۲۰۱۵) و دموکراسی (چوی و دیوید، ۲۰۱۲). تحقیقات اعتماد علاوه بر آنکه شامل بستری از نظریه پردازی‌ها و سوالات جامعه‌شناسی بوده، در سایر رشته‌های مهم علوم اجتماعی و فراتر از آن نیز در حال رشد است. برای نمونه روانشناسی (مسبک و همکاران، ۱۹۸۳)، اقتصاد (فهر، ۲۰۰۹)، بیوشیمی (کاسفلد و همکاران، ۲۰۰۵)، علوم اعصاب (کروگر و همکاران، ۲۰۰۷) و ژنتیک (کسارینی و همکاران، ۲۰۰۸). هم چنین اعتماد در بسیاری از رشته‌های حرفه‌ای برای نمونه بازاریابی (مورگان و هانت، ۱۹۹۴)، مدیریت و سازمان (مایر و همکاران، ۱۹۹۵) و سیستم‌های مدیریت اطلاعات (پاولوف و گیفین، ۲۰۰۴) به کانون تحقیقات تبدیل شده است. اعتماد در تئوری‌های جامعه‌شناسی کلاسیک نقش اساسی داشته و هم اکنون به صورت تجربی در چارچوب مجموعه گسترده‌ای از روابط اجتماعی مورد مطالعه قرار گرفته است مانند کسانی که در محل کار هستند (بارت و کنز، ۱۹۹۵)، بین فروشندگان و خریداران (کولوک، ۱۹۹۴)، سهامداران و بانک‌ها (ینکی، ۲۰۱۸)، حوزه سازمانها (پاول، ۱۹۹۶)، حوزه جرایم (اسمیت و پایاچریستوس، ۲۰۱۶)، شهروندان و حکمرانان (چوی و دیوید، ۲۰۱۲)، دانشمندان (زوک و همکاران، ۱۹۹۶)، حوزه آتش‌نشانی (پرات و همکاران، ۲۰۱۹)، پزشکان و بیماران (اشنیتکر، ۲۰۰۴)، اعضا خانواده (لی و تان، ۲۰۱۳)، حوزه افراد مطلقه (بورک و استتس، ۱۹۹۹). با توجه به گستردگی کاربردها در زمینه‌های مختلف، اعتماد برای تعدادی از زیرشاخه‌های جامعه‌شناسی از جمله جامعه‌شناسی اقتصادی (گران آوتر، ۱۹۸۵)، روانشناسی اجتماعی (سیمسون و وایلر، ۲۰۱۵)، جمعیت‌شناسی (لارزلی و هاستون، ۱۹۸۰)، روابط نژادی، جنسیتی و طبقاتی (اسمیت، ۲۰۱۰)، اخلاق (هیلتین و وای سی، ۲۰۱۰)، تعلیم و تربیت (بریک و اشنایدر، ۲۰۰۲)، جامعه‌شناسی پزشکی (استپانیکف و همکاران، ۲۰۰۶)، مهاجرت (پورتنس، ۱۹۹۵) و غیره مهم تلقی می‌شود» (شیلکه و همکاران، ۲۰۲۱)

جامعه جدید به دلیل برخورداری از ویژگی‌های منحصر به فردی چون گستردگی و تنوع جوامع، پیچیدگی نهادها، افزایش ابهام و غریبه بودن نسبت به محیط اجتماعی توجه به اعتماد داشته و نقش آن در حیات اجتماعی را واقعیتی جدی تلقی نموده است. کاهش اعتماد اجتماعی از جمله مسایل جامعه ایران به شماری آید. طبق یافته‌های تحقیقات پیشین (آزاد ارمکی و کمالی، ۱۳۸۳، شارع پور، ۱۳۸۰، طرح ملی پیمایش سرمایه اجتماعی، ۱۳۹۴، امیر کافی، ۱۳۷۵، اوجاقلو و زاهدی، ۱۳۸۴) سطح اعتماد اجتماعی به دلایلی کاهش یافته که این امر به باور بسیاری از اندیشمندان، در سطح خرد بر روابط و مناسبات اجتماعی شهروندان، در سطح میانی بر نهادهای اجتماعی ای همچون خانواده و در سطح کلان بر سیستم اجتماعی و سیاسی تاثیرگذار بوده است (کرمی و همکاران، ۱۳۹۹). این کاهش می‌تواند نشانه‌های آسیب‌شناختی روابط اجتماعی تلقی شود. حیات اجتماعی در شرایط بی‌اعتمادی با انواع اختلالات همراه است. کاهش اعتماد به تهدیدهایی برای انسجام اجتماعی تبدیل می‌شود. نادیده گرفتن آن به منزله فاصله گرفتن از جامعه سالم است. فقدان اعتماد اجتماعی موجب بروز رفتار ضد اجتماعی، خشونت و سایر مشکلات اجتماعی می‌گردد.

## ۱-۱- سوال اصلی پژوهش

اعتماد اجتماعی در ایران از منظر جامعه‌شناسی به مثابه پدیده اجتماعی تلقی می‌شود. با توجه به کثرت تولیدات علمی پژوهشی طی دو دهه گذشته، چگونه می‌توان چارچوب و الگویی جامع و یکپارچه برای تبیین این پدیده اجتماعی (اعتماد اجتماعی) ارائه نمود؟ نقش و کارکرد روش جدید فراترکیب در این راستا چگونه خواهد بود؟

## ۲-۱- اهداف فرعی پژوهش

- الف) چگونگی «روند پژوهشی» تحقیقات اعتماد اجتماعی در ایران طی سالهای ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰.
- ب) چگونگی «گرایش‌های پژوهشی» تحقیقات اعتماد اجتماعی در ایران طی سالهای ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰.
- ج) انواع گوناگون متغیرهای اصلی و فرعی در هر کدام از بخش‌های مربوط به «گرایش‌های پژوهشی» تحقیقات اعتماد اجتماعی در ایران طی سالهای ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰.
- د) اولویت بندی (رتبه بندی) «گرایش‌های پژوهشی» تحقیقات اعتماد اجتماعی در ایران طی سالهای ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰.
- ه) چگونگی امکان "ارائه چارچوب و الگویی جامع و یکپارچه در خصوص تبیین اعتماد اجتماعی در ایران" با استفاده از روش فراترکیب.

## ۲- اعتماد اجتماعی: چیستی فضای مفهومی، بستر تاریخی و گونه‌شناسی (سنخ‌شناسی) سطوح آن

«در کل جامعه‌شناسان معاصر و کلاسیک تعاریف متعدد و مختلفی از اعتماد اجتماعی ارائه نموده‌اند که این تعاریف بیانگر سطح تحلیل، رویکرد، مبنای نظری، نوع اعتماد مورد نظر و سطح مطالعه آنها در باب اعتماد اجتماعی می‌باشد» (آزادارمکی، ۱۳۸۳). پورترز (۱۹۹۳) پیشنهاد می‌کند که سه وجه در توصیف سرمایه اجتماعی غالباً با هم جمع می‌شوند: فرایندهای اجتماعی منجر به سرمایه اجتماعی (مانند جمع‌گرایی و اعتماد)، خود سرمایه اجتماعی و نتایج سرمایه اجتماعی.

«عمدتاً تحقیقات موجود دو منبع اصلی اعتماد اجتماعی را شناسایی و تحلیل می‌کنند. یکی از این مدل‌ها منابع اعتماد اجتماعی را در سطح فردی، با پویایی اجتماعی-روانشناختی بررسی می‌کند (گلانویل و پاکستون، ۲۰۰۷). این مدل مدعی است که اعتماد اجتماعی عمدتاً در اوایل زندگی فرد آموخته می‌شود و با سایر ویژگی‌های روانشناختی فرد مرتبط است (اوانز و ریول، ۲۰۰۸). مدل دیگر مدعی است که اعتماد اجتماعی محصول ساختارهای سیاسی و اجتماعی بزرگتر است. جوامع دارای شبکه‌های مترکم از روابط اجتماعی و نهادهای سیاسی بی‌طرف، افراد را به سمت رشد سطح بالاتری از اعتماد اجتماعی سوق می‌دهند که به نوبه خود بر جوامع تأثیر مثبت می‌گذارد (پاتنام، ۱۹۹۳، روتشتاین و استوول، ۲۰۰۸)» (دلמות و تالبرگ، ۲۰۲۰).

«اعتماد یعنی اطمینان خاطر نسبت به رفتار دیگری، به شکلی که این اطمینان به ایجاد روابط دوستانه و همیاری نیز منجر شود. اعتماد اجتماعی را می‌توان داشتن حسن‌ظن به دیگران در روابط اجتماعی دانست، تسهیل‌کننده روابط اجتماعی است و امکان سود یا زیان را در خود نهفته دارد» (امیرکافی، ۱۳۸۰).

«اعتماد به عنوان ویژگی فردی مطرح می‌شود و بر احساسات، عواطف و ارزش‌های فردی تأکید دارد و در بررسی اعتماد نظریه‌های شخصیت و متغیرهای فردی مورد توجه قرار می‌گیرد. بر اساس این دیدگاه، اعتماد با مفاهیمی چون همکاری، صداقت، وفاداری، صمیمیت، امید و دگرخواهی ارتباط نزدیک دارد» (اجاقلو و زاهدی، ۱۳۸۴).

«منظور از اعتماد، پذیرش خطر مواجهه و ارتباط با دیگران است، با این تصور که آن‌ها چنان که انتظار می‌رود، رفتار خواهند کرد یا این که عمداً در پی آزار و اذیت ما نخواهند بود. اعتماد، تمایل افراد را به تعامل و همکاری با گروه‌ها افزایش داده و شبکه‌ای از روابط داوطلبانه میان گروه‌ها را در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی تشکیل می‌دهد. اعتماد به میزان اطمینان افراد در مورد اینکه دیگران چقدر به حرف‌های خود عمل می‌کنند و یا انتظار می‌رود که عمل کنند و بالاخره حرف‌های آنان به چه میزان موثق است، اطلاق می‌شود. سطح اعتماد شخص به فرد دیگر بستگی به برداشت شخص از قابل‌اعتناد بودن آن دیگری دارد، اگرچه افراد می‌توانند در اعتماد به دیگران خطر (ریسک) کنند. درحالی که اعتماد می‌تواند به فرد و یا هم‌چنین به گروه‌ها و نهادهای درون یک جامعه از جمله حکومت‌ها مربوط باشد. هم‌چنین می‌توان از سطح کلی «اعتماد» در درون یک جامعه معین نیز سخن به میان آورد» (پیران، ۱۳۹۲).

فرهنگ معین اعتماد را تکیه کردن بر، واگذاشتن کار به کسی و سپردن چیزی به کسی معنا کرده است و اعتماد کردن را به معنای وثوق به کسی یا اطمینان کردن به کار برده است، فرهنگ امید نیز همین معنا را به کار برده است، اعتماد یعنی تکیه کردن، متکی شدن به کسی، کاری را بی‌گمان به او سپردن و واگذاشتن کار به کسی. در فرهنگ انگلیسی آکسفورد، اعتماد به عنوان اتکاء یا اطمینان به نوعی کیفیت، صفت یک چیز، یا اطمینان به حقیقت یک گفته، تعریف شده است.

واژه در متون جامعه‌شناسی به صورت‌های گوناگونی تعریف شده است: «اعتماد باوری قوی به اعتبار، صداقت و توان یک فرد، انتظاری مطمئن و اتکا به یک ادعا یا اظهار نظر، بدون آزمون کردن آن است» (لیون، ۲۰۰۰). «اعتماد عبارت است از اطمینان به دیگران به رغم احتمال و امکان فرصت‌طلبی، عدم قطعیت و مخاطره آمیز بودن آنان است (میزتال، ۱۹۹۸)؛ به عبارت دیگر، اعتماد نوعی شرط‌بندی در مورد کنش‌هایی است که دیگران در آینده انجام خواهند داد (زومکا، ۱۳۸۶). «اعتماد عبارت است از واگذاری منابع به دیگران با این انتظار که آنها به گونه‌ای عمل خواهند کرد که نتایج منفی به حداقل ممکن کاهش یابد و دست‌یابی به اهداف میسر گردد» (الیسون و فایرستون به نقل از امیرکافی، ۱۳۸۰).

اعتماد اجتماعی به معنای پذیرش خطر مواجهه و ارتباط با دیگران است با این تصور که آنها چنان که انتظار می‌رود، رفتار خواهند کرد یا اینکه عمداً در پی آزار و اذیت ما نخواهند بود. «اعتماد مستلزم تمایل به ریسک‌پذیری در یک زمینه اجتماعی مبتنی بر احساس اطمینان است که دیگران همانطور که انتظار می‌رود واکنش نشان می‌دهند و از راه‌های حمایت متقابل عمل می‌کنند، یا حداقل دیگران قصد آسیب ندارند به گونه‌ای که کنش‌گر به دیگران و نحوه‌ی پاسخ آنها اطمینان می‌کند» (اونیکس و بالن، ۲۰۰۰) «اعتماد اجتماعی عبارت است از درجه‌ای از شناخت و اطمینان نسبت به غیر (از نظر شخصیت، جایگاه، نقش اجتماعی و...) که زمینه‌ساز رابطه متقابل اجتماعی آسانتر، سریع‌تر، بی‌پیرایه‌تر و هدفمندتر استاین غیر می‌تواند یک فرد، نهاد، ساختار یا حتی یک امر انتزاعی باشد» (تاجبخش، ۱۳۸۴) «اعتماد پذیرفتن دیگران در ارتباط با مصالح فرد است؛ انتظار رفتار مفید داشتن از دیگران یا دست‌کم مضر نبودن کنش آن‌ها برای مصالح و منافع اعتمادکننده. اعتماد در معنای کلی بازگوی این باور است که دیگران با کنش خود به آسایش یا رفاه اعتمادکنندگان کمک کرده و از آسیب زدن به آنها یا منافع‌شان خوداری نکنند. اعتماد اجتماعی دلالت دارد بر انتظارات و تعهدات اکتسابی و تأیید شده به لحاظ اجتماعی که افراد نسبت به یکدیگر و نسبت به سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی دارند» (علی‌پور و همکاران، ۱۳۸۸).

برابر اعتماد را چنین تعریف می‌کند: «از نظر اجتماعی آموخته شده و از نظر اجتماعی تأیید شده است، انتظاراتی که مردم از یکدیگر دارند، از سازمانها و موسساتی که در آنها زندگی می‌کنند و نظم‌های اجتماعی طبیعی و اخلاقی که تفاهات اساسی

زندگی آنها را ایجاد می‌کند. اعتماد اجتماعی، انتظارات و تعهدات اکتسابی و تأیید شده به لحاظ اجتماعی که افراد نسبت به یکدیگر و، نسبت به سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی دارند تعریف شده است. اعتماد اجتماعی دلالت بر انتظارات و تعهدات اکتسابی و تأیید شده به لحاظ اجتماعی که افراد نسبت به یکدیگر و نسبت به سازمان‌ها و نهادهای مربوط به زندگی اجتماعی‌شان دارند، تعریف شده است.» (باربر، ۱۹۸۳)

«اعتماد اجتماعی شاخصی از سرمایه و نظم اجتماعی است که تبادل اجتماعی را در شرایط عدم اطمینان و ریسک تسهیل می‌کند» (کوک، ۲۰۰۱). «اعتماد به جنبه قابلیت پیش‌بینی رفتار توجه دارد. اعتماد یا عدم اعتماد به تشکیل انتظارات در شرایط اطلاعاتی ناقص کمک می‌کند و اعتماد این انتظارات را در بر می‌گیرد که رفتار دیگری به طرز قابل پیش‌بینی دوستانه خواهد بود و در جهت مخالفت رفتار مودبانه یا غیرقابل اعتماد افراد، عدم اعتماد تلقی می‌شود» (اینگلهارت، ۱۳۷۳). نیکلاس لومان مفهوم اعتماد را از دیدگاه ویژه‌ای بررسی می‌کند که کمتر مورد توجه نظریه پردازان دیگر بوده است. او کارکرد اعتماد اجتماعی را درون نظام اجتماعی بررسی کرده و بر این نظر است که کارکرد اعتماد اجتماعی، یک سازوکار اجتماعی است که در آن انتظارات، اعمال و رفتارها، تنظیم و هدایت می‌شود (لومان، ۱۹۷۹). «نیکلاس لومان، اعتماد را به معنی مطمئن بودن درباره کنش‌های احتمالی دیگران در آینده تعریف می‌کند و عنوان می‌کند که اعتماد با مفهوم مخاطره و ریسک در ارتباط است. به اعتقاد لومان کارکرد اعتماد در نظام اجتماعی این است که عدم تعین اجتماعی را کاهش می‌دهد» (به نقل از امیر کافی، ۱۳۸۰)

جیمز کلن اعتماد را وارد کردن عنصر خطر در کنش یا دیگران دانسته و اعتماد را با مخاطره در ارتباط می‌داند. فرانسیس فوکویاما اعتماد را به عنوان انتظاری که در یک جامعه از رفتار مقرراتی، مسئولانه و همیارانه‌ی بخشی از اعضای دیگر جامعه که بر هنجارهای مشترک عام مبتنی است، تعریف می‌کند. فوکویاما از اعتماد به مثابه شاخصی برای بیان سرمایه اجتماعی در معنای ارزشهای جمعی شبکه‌های اجتماعی و اخلاق فرهنگی که بنیاد رشد و ثبات اقتصادی را تشکیل می‌دهند، استفاده می‌کند.

اریک اریکسون روانشناس مشهور در بعد روان شناختی، اعتماد بنیادی را مورد توجه قرار داده و به اعتقاد وی «اعتماد بنیادی، نگرشی است نسبت به خود و دنیای پیرامون که حاصل تجربیات شخصی در اوایل زندگی است». دیوید جانسون معتقد است «اعتماد یک ویژگی شخصی ثابت و بلا تغییر نیست، بلکه جنبه‌ای از روابط است که پیوسته در حال تغییر بوده و برای ایجاد ارتباط، فرد باید بتواند فضایی آکنده از اعتماد را ایجاد کند که ترس از طرد شدن را کاهش و امید به پذیرش و حمایت و تأیید را افزایش دهد»

«کلاوس افه مطرح می‌کند که یکی از جاذبه‌های ذهنی اندیشیدن درباره پدیده اعتماد اجتماعی، توانایی بالقوه این پدیده برای پرکردن شکاف میان سطوح کلان و خرد در نظریه اجتماعی است. اعتماد به معنای باور به عملی است که از دیگران انتظار می‌رود. اعتماد، فرضی شناختی است که کنشگران فردی یا جمعی در تعامل با دیگران بکار می‌بندند. این فرض شناختی با ترجیحات و تمایلات رفتاری دیگران از لحاظ آمادگی آنها برای همکاری و پرهیز از اقدامات خودخواهانه، فرصت طلبانه و خصمانه ارتباط دارد. اعتماد به معنای این باور است که دیگران با اقدام یا برخورداری از اقدام خود به رفاه من یا ما کمک می‌کند و از آسیب زدن به من یا ما خودداری می‌کنند» (تاجبخش، ۱۳۸۴)

«بحث در ادبیات جامعه شناختی تمایل به آن داشته که اعتماد اجتماعی اهمیتی اساسی در روابط اجتماعی ایفاء می‌کند و بر این فرض استوار است که اعتماد اجتماعی به منزله محور و مرکز شکل‌گیری روابط و نهاد های اجتماعی است و به طور عمده برخواسته از ایده دورکیم (اعتماد به عنوان کیفیت همبستگی ارگانیک) و هم چنین تاکیدزیمل (بدون اعتماد عمومی که مردم به یکدیگر دارند، جامعه متلاشی می‌شود) بوده است.

جستجوی Google Scholar برای یافتن مقالات درباره «اعتماد» از دهه ۱۹۰۰ نشان داد که تا سال ۱۹۵۰ ادبیات علمی عمدتاً به عدم اعتماد به روابط بین شخصی اشاره دارد. نتایج پژوهش بیانگر رشد چشمگیر نشریات مربوط به اعتماد از دهه آغاز سال ۱۹۶۰ و جهش کوانتومی سال ۱۹۹۰ می‌باشد. داده‌ها نشان از روند افزایش اهمیت موضوع اعتماد از سال ۱۹۰۰ تاکنون داشته است» (باربالت، ۲۰۱۹ الف).

«از دهه ۱۹۰۰ تا سال ۱۹۵۰ ادبیات علمی عمدتاً به عدم اعتماد به روابط بین شخصی اشاره دارد. از دهه ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰ درک متفاوتی مشاهده شده و این الگو شروع به تغییر می‌کند. اعتماد در ادبیات علمی از طریق انتشارات روانشناسان اجتماعی علاقه مند به موضوع «اعتماد بین فردی» (روتر ۱۹۶۷) و پیگیری موضوعاتی مانند اعتماد و سو ظن (دویچ ۱۹۵۸)، اعتماد و نظارت (استریکلند ۱۹۵۸)، اعتماد و مقیاس F (دویچ ۱۹۶۰) و غیره که البته منعکس کننده نگرانی‌ها و تمایلات دوره پس از جنگ جهانی دوم و محافظت از دوره جنگ سرد است. این تا حدی نتیجه افزایش تعداد رشته‌هایی است که به درمان مشکل اعتماد همانطور که تصور می‌کنند تبدیل شده است. تا دهه ۱۹۵۰ اقتصاددانان و محققان حقوقی عملاً در علاقه خود به اعتماد شرکتها تنها بودند و در طی دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ روانشناسان توجه خود را به اعتماد بین فردی معطوف کردند، همانطور که در بالا ذکر شد، طی دو دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ محققان مدیریت با وام گرفتن معنای روانشناختی این اصطلاح، توجه خود را به اعتماد معطوف کردند. متن برجسته این ادبیات کتاب زند (۱۹۷۲) است که تمرکز وی بر روی «حل مشکلات اعتماد و مدیریت» مشکلاتی را ایجاد کرد که ادبیات مدیریت را همچنان به خود مشغول می‌کند.

از دهه ۱۹۸۰ توسط حضور علمی و پژوهشی جامعه‌شناسان در نشریات مربوط به اعتماد اجتماعی درخشان می‌نمایند. اعتماد به منزله تمی (ایده‌ای) اساسی در ادبیات جامعه‌شناسی در دهه ۱۹۸۰ با تحقیقات لومان و باربر استقرار پیدا کرد، به گونه‌ای که در تحقیقات لوئیس و وایگرت (۱۹۸۵)، سیلور (۱۹۸۵) و گامبتا (۱۹۸۸) این تأثیر مورد بررسی قرار گرفته شده است. در مجموع

دو اثر علمی قوی نیکولاس لومان تحت عنوان اعتماد و قدرت (۱۹۷۹) و هم چنین برنارد باربر تحت عنوان منطق و محدوده اعتماد (۱۹۸۳) موجب شده که مفهوم اعتماد اجتماعی به منزله مفهومی اساسی، محوری و کلیدی برای نظریه پردازی جامعه‌شناختی جامعه معاصر نقش ایفاء کنند. ایده‌ای که با جذب آسان مفهوم اعتماد به نظریه‌های سرمایه اجتماعی پشتیبانی می‌شود (فوکویاما ۱۹۹۵؛ استروم و آن ۲۰۰۳). جنبه اعتماد که در اینجا نشان داده شده است، با شرایط اجتماعی ظهور یافته‌ای که در تعدادی از تحولات اخیر منعکس شده است، متناسب است. به طور گسترده، تمرکز در حال رشد بر اعتماد همزمان با ظهور و ظهور نظریه انتخاب عقلانی است که در آن اولویت فردی به عنوان یک متغیر مستقل در نظر گرفته می‌شود (کلمن، ۱۹۹۰ و گلدتورپ، ۲۰۰۰). تأثیر تحقیقات روانشناختی اجتماعی در درک اولیه جامعه‌شناختی از اعتماد بین فردی در این واقعیت مشهود است که تقریباً نیمی از منابع در لوئیس و وایگرت (۱۹۸۵) به انتشارات روانشناختی است. از این زمان تعدادی کاملاً دقیق جامعه‌شناختی تک‌نگاری‌های مربوط به اعتماد آغاز می‌شود، از جمله مهمترین آنها می‌توان به فوکویاما (۱۹۹۵)، میتزل (۱۹۹۶)، سلیگمن (۱۹۹۷)، زومکا (۱۹۹۹) و مولرینگ (۲۰۰۶) اشاره کرد.

علاوه بر تازگی نسبتاً علاقه جامعه‌شناختی به اعتماد، شدت فزاینده آن علاقه توسط یکی از نویسندگان به عنوان "انفجار کار علمی اجتماعی در مورد اعتماد" توصیف شده است (شاپیرو، ۲۰۱۲) که نه تنها جامعه‌شناسی (لوئیس و وایگرت، ۲۰۱۲) بلکه مطالعات مدیریت (آرنوت، ۲۰۰۷) و علوم سیاسی (سیتین و استوکر، ۲۰۱۸؛ لوی و استوکر، ۲۰۰۰) را هم تحت تأثیر قرار داده است. گسترش تعداد نتایج تحقیق در مورد اعتماد بین فردی یا اجتماعی به سادگی منعکس‌کننده تغییر ذائقه علمی نیست. توجه روزافزون به اعتماد در طول سالهای اخیر به عنوان شاهد جدیدی از نقش اعتماد در تحکیم و اثربخشی روابط اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است. در واقع، در برخی بحث‌های ضمنی است که اعتماد تنها تحت شرایط خاص مورد توجه استراتژیک فکری قرار می‌گیرد، مانند زمانی که لومان (۲۰۱۷) معتقد است عملکرد اعتماد کاهش پیچیدگی اجتماعی است، این مورد اخیر از لحاظ تاریخی یک ویژگی سیستم‌های اجتماعی است. توجه فزاینده‌ای که به اعتماد در طی سالهای اخیر داده شده گواه تغییر در بنیان اجتماعی دانش است که علاقه به اعتماد را به عنوان پدیده‌ای که نیاز به تحقیق دارد، ارتقا می‌بخشد. در واقع، توجه به مبانی اجتماعی درک اعتماد توسط دانشمندان علوم اجتماعی امروزی می‌تواند به درک مفهوم اعتماد خود کمک کند. به اعتقاد میتزل (۱۹۹۶) اگرچه نظریه پردازان مختلف از واژگان متمایز استفاده می‌کنند، اما بدون شک همگرایی ایده‌هایی وجود دارد که نشان می‌دهد که در اواخر مدرنیته، اعتماد اجتماعی (باتکیه بر چگونگی روابط اجتماعی) برای حفظ نظم اجتماعی مهمتر می‌شود؛ بنابراین، اعتماد به عنوان ابزاری که افراد از طریق آن با دیگران ارتباط برقرار می‌کنند، از نظر روش‌شناختی، معرفت‌شناختی و ایدئولوژیکی با گرایش‌های دیگر زندگی اجتماعی مدرن متأخر همگراست. (باربالت، ۲۰۱۹ ب)

«در سال‌های اخیر، جامعه‌شناسان برای نمونه کارفینگل (۱۹۶۳)، هنسلین (۱۹۷۲)، کونوایزر (۱۹۷۳)، هولزدر (۱۹۷۳)، اسراب و پرایست (۱۹۷۶)، هاس و دسران (۱۹۸۱) و وایگرت (۱۹۸۱ و ۱۹۸۳) شروع به تبیین مفهوم «اعتماد» به عنوان یک موضوع جامعه‌شناختی کرده‌اند» (لوئیس و وایگرت، ۱۹۸۵)

لوئیس و وایگرت (۱۹۸۵) در چارچوب مفهوم سازی اعتماد با تکیه بر نظریات لومان، باربر، پارسونز و زیمل برای اعتماد سه بعد در نظر می‌گیرند که عبارتند از: احساسی، شناختی، رفتاری. به زعم آنها بنیاد احساسی اعتماد بعد شناختی آن است و عنصر عاطفی اعتماد، میان همه کسانی که در یک رابطه شرکت می‌کنند پیوند احساسی را فراهم می‌سازد و در چنین موقعیتی، سرمایه‌گذاری‌های شدید عاطفی خلق می‌شود. به اعتقاد او بعد رفتاری اعتماد در کنش اجتماعی ظاهر می‌شود که طی آن کنشگر بر اساس این انتظار که دیگر کنشگران به شکلی شایسته با وظیفه‌شناسی عمل خواهند کرد، به کنش می‌پردازد.

«از دیدگاه جامعه‌شناختی، اعتماد باید به عنوان ویژگی واحدهای جمعی (سلسله‌های دائمی، گروه‌ها و جمع‌آوری‌ها) تصور شود، نه افراد منزوی. اعتماد به عنوان یک ویژگی جمعی در میان مردم قابل اجرا است

تا اینکه یک وضعیت روانی مردم به صورت جداگانه باشد؛ بنابراین، ممکن است بگوییم که اعتماد در یک سیستم اجتماعی تا آنجا وجود دارد که اعضای آن سیستم مطابق با عملکرد یکدیگر و یا نمایش‌های نمادین آنها، انتظار می‌رود تا در آینده مطابق آن عمل کنند و از امنیت برخوردار باشند. این پیچیدگی در جنبه‌های مختلف زندگی اجتماعی در زمانهای گوناگون به راحتی دیده می‌شود. این شکل از اعتماد در قالب گرایش‌های باورها (یا شناخت‌ها) و احساسات (یا تأثیرات و عواطف) خودرانشان می‌دهد» (لوئیس و وایگرت، ۱۹۸۵)

«زیمل همانند بسیاری از دانشمندان علوم اجتماعی به عنوان مثال، تونیس، دورکیم، پارسونز ادعا کرد که اعتماد یکی از مهمترین نیروهای یکپارچه در جامعه است. نوسازی و انزوای اجتماعی مداوم آن، در مواجهه با تغییرات گسترده جهانی، بر لزوم بررسی اعتماد اجتماعی به مثابه موضوعی چند متغیره و چند رشته‌ای آن تأکید می‌کند» (ساساکی و مارش، ۲۰۱۲)

لوئیس و وایگرت (۲۰۱۲) به بررسی تحقیقات نظری و تجربی در خصوص پویایی‌های اجتماعی اعتماد طی سالهای ۱۹۸۵ تا ۲۰۱۲ نموده‌اند و در گزارش آنها آمده است:

«پدیدارشناسی زندگی روزمره اعتماد را به عنوان یک بنیاد اجتماعی غیرقابل کاهش در تعامل در دنیای زندگی آشکار می‌کند. به این ترتیب، اعتماد یک واقعیت اجتماعی عینی است که به عوامل روانشناختی فردگرا تقلیل نمی‌یابد. از آنجا که جامعه پست مدرن فرصت‌های جدید و چالش‌های جدیدی برای اعتماد در سطوح بین فردی، سازمانی و فرهنگی ایجاد کرده است، تحقیقات بین رشته‌ای در همه این زمینه‌ها شدت یافته است. جانسون و گرایسون (۲۰۰۵) دو مولفه اعتماد شناختی و اعتماد عاطفی را مورد تأکید قرار داده‌اند. در مقابل جهت‌گیری زمیلی درباره مولفه عقلانی اعتماد، مفهوم منطقی‌تر

اعتماد به طور منظم مربوط به دو جنبه عاطفی (احساسی) و هم چنین رفتاری اعتماد می گردد. وبر و کارتر (۲۰۰۲) متاثر از ایده جورج هربرت مید معتقدند که اعتماد به منزله جهت گیری بنیادین بین فرد و دیگران تلقی می شود. این جهت گیری مبتنی بر سه شیوه تجربه انسانی شامل احساسات (عواطف)، شناختی و رفتاری بوده که نتیجه واکنش های متقابل بین عناصر سه گانه مذکور منتهی به شکل گیری اعتماد اجتماعی می گردد. بیش نظری درخشان که توسط گنورگ زمل و نیکلاس لومان آغاز شد و علاقه اوایل دهه ۱۹۸۰، لوئیس و وایگرت را به اعتماد تحریک کرد، در سالهای اخیر توسط مولرینگ (۲۰۰۱ و ۲۰۰۶) با قوت بیشتری پیش رفته است. مولرینگ (۲۰۰۶) همچنین ارزیابی انتقادی دیگری از مفاهیم معاصر اعتماد ارائه می دهد که همانطور که وبر و کارتر (۲۰۰۲) متذکر شده اند، تعاریف متعددی را ارائه می دهند که بر اساس یک ایده کاملاً منطقی از انتظار برای اعتماد است. باربالت (۲۰۰۹) مبتنی بر رویکرد «بازتابندگی» به روابط متقابل بین دو نوع اعتماد شناختی و اعتماد عاطفی پرداخته است»

در یک تقسیم بندی کلی، اعتماد را می توان در چهار سطح مورد بررسی قرار داد: ۱) اعتماد بنیادین که در سطح فردی و روان شناسی بررسی می شود؛ ۲) اعتماد بین شخصی؛ ۳) اعتماد تعمیم یافته یا عام و ۴) اعتماد به نظام یا سیستم که در سطح جامعه شناسی بحث می شود:

۱) اعتماد بنیادین: اعتماد بنیادی نگرشی است که فرد نسبت به خود و دنیای پیرامون خود دارد و موجب تقویت این احساس می شود که افراد و امور دنیا قابل اعتماد و دارای ثبات و استمرار هستند (گیدنز، ۱۳۷۷). اریک اریکسون معتقد است این اعتماد، محصول فرایندهای دوره نوزادی است. اگر دیگران نیازهای اصلی و مادی و عاطفی نوزاد را تأمین کنند، حس اعتماد در کودک به وجود می آید، اما عدم تأمین این نیازها، سبب می شود نوعی بی اعتمادی نسبت به جهان، به ویژه در روابط شخصی به وجود آید (جواهری و بالاخانی، ۱۳۸۵).

۲) اعتماد بین شخصی: اعتماد بین شخصی شکلی از اعتماد است که در روابط چهره به چهره خود را نشان می دهد. این شکل از اعتماد موانع ارتباطی را مرتفع می سازد و با کاستن از حالت دفاعی، بسیاری از تعاملات روزانه را موجب می شود. اعتماد بین شخصی، حوزه ای از تعاملات میان عشاق، دوستان و همکاران و همچنین اعتماد میان رئیس و کارمند، سرپرست و کارگر، معلم و شاگرد، فروشنده و مشتری، پزشک و بیمار و ... را دربر می گیرد. مشکل اصلی اعتمادی که از تجربه تعامل شخصی ایجاد می شود، محدود بودن قلمرو آن است و در جامعه ای که تحرک و نیازها به همکاری با غریبه ها و اتکا به آن ها یکی از ویژگی های برجسته آن است، چندان راه گشا نیست (امیرکافی، ۱۳۸۰).

«اعتماد بین شخصی» بر اساس روابط مستقیم و چهره به چهره شناخته می شود؛ و مبتنی بر روابط بین فردی است. همزیستی مستقیم بین شرکت کنندگان یکی از ویژگی هایی است که اعتماد بین شخصی را از دیگر شکل های اعتماد متمایز می کند. اعتماد بین شخصی در ارتباط با تعامل و روابط میان اعضای خانواده، دوستان، همکاران و دیگر موارد مشابه تجلی پیدا می کند (غفاری، ۱۳۸۳).

زومکا در توضیح این نوع از اعتماد اظهار می دارد «باریک ترین شعاع اعتماد در بین اعضای خانواده خودمان اسم است که فضایی مملو از صمیمیت و نزدیکی بر آن حاکم است به این ترتیب اعتماد به افرادی است که مشخصاً آن ها را به اسم می شناسیم، رابطه چهره به چهره با آنان داریم مانند: دوستانمان، همسایه ها، شرکای تجاری و همکاران این نوع از اعتماد صمیمیت و نزدیکی قابل توجهی را می طلبد (زومکا، ۱۹۹۹)

۳) اعتماد تعمیم یافته یا عام: اعتماد تعمیم یافته را می توان داشتن حسن ظن نسبت به اکثریت افراد جامعه جدای از تعلق آن ها به گروه های قومی و قبیله ای تعریف نمود (امیرکافی، ۱۳۸۰).

اعتماد اجتماعی یا اعتماد تعمیم یافته در زمینه ای فراتر از روابط چهره به چهره قرار می گیرد و در شبکه های موجود در سطح فرافردی جریان می یابد بدین طریق اعتماد به اشخاص جای خود را به مقوله های اجتماعی انتزاعی تر و گسترده تر می دهد که در سطحی وسیع تر از مرزهای خانوادگی، همسایگی و طایفه ای قرار می گیرند حوزه تعامل و ارتباط در اعتماد تعمیم یافته یا عام از سطح روابط و تعامل درون گروهی به تعامل بین گروهی ارتقا می یابد (غفاری، ۱۳۸۳) به طور خلاصه اعتماد تعمیم یافته اعتماد به غریبه ها و کسانی است که آن ها را شخصاً نمی شناسیم این نوع از اعتماد در سطح وسیع تر از اعتماد بین شخصی، از شبکه های موجود در امور اجتماعی، مدنی و هنجراهی روابط متقابل ناشی می شود. اعتماد تعمیم یافته یا اخلاقی مبتنی بر تجارب شخصی ما نیست بلکه بیشتر مبتنی بر نگاه ما به جهان است که از والدین خود یاد می گیریم و کاملاً باثبات و محکم است و در طول زمان توسط نمونه های اتفاقی خیانت یا قربانی (بی اعتمادی) از بین نمی رود. موضوع این اعتماد به عنوان مهم ترین عنصر نگرشی سرمایه اجتماعی قلمداد شده و از آن، جهت متمایز کردن جوامعی که دارای سرمایه اجتماعی سطح بالا هستند نسبت به جوامعی که دارای سطح پایین سرمایه اجتماعی هستند استفاده می شود. این نوع اعتماد در سطحی گسترده تر از خانواده، دوستان و آشنایان قرار می گیرد. زومکا (۱۳۸۶) معتقد است هدف یا جهت گیری اعتماد ممکن است معطوف به جنسیت (من به زن ها اعتماد دارم، اما به مردها اعتماد ندارم)، سن (من به افراد میان سال اعتماد دارم و ...)، نژاد، قومیت، مذهب و ... باشد. «اعتماد تعمیم یافته» را می توان داشتن حسن ظن نسبت به افراد جامعه جدای از تعلق آنها به گروه های قومی و قبیله ای تعریف کرد. این تعریف بیانگر چند نکته اساسی است:

- اعتماد تعمیم یافته تنها به افرادی که با هم برهم کنش دارند و میانشان روابط چهره به چهره برقرار است، محدود نمی شود؛

- اعتماد تعمیم‌یافته حوزه‌ای از کسانی را که با ما برهمکنش دارند یا بالقوه می‌توانند برهمکنش داشته باشند در برمی‌گیرد؛
- (۳) اعتماد تعمیم‌یافته مرزهای خانوادگی، همسایگی، قومی و محلی را در می‌نوردد و در سطح ملی گسترش می‌یابد؛
- اعتماد تعمیم‌یافته پدیده نسبتاً جدیدی است که همراه با شکل‌گیری دولت‌های مدرن یا «دولت - ملت» مطرح می‌شود
- و بالاخره اعتماد تعمیم‌یافته لازمه همکاری و مشارکت میلیون‌ها شهروندی است که جوامع پیچیده و مدرن امروزی را تشکیل می‌دهند (امیرکافی، ۱۳۸۰).

۴) اعتماد به نظام یا سیستم: در جامعه مدرن، الزاماً دو سوی فرایند ارتباط را ارتباط‌گران انسانی تشکیل نمی‌دهند، بلکه انسان‌ها گاهی با کنش‌گران غیر فردی ارتباط برقرار می‌کنند. به این ترتیب شکل دیگری از اعتماد مطرح می‌شود که متوجه ساختارهای غیر شخصی است. در این مورد به دو نوع اعتماد نهادی و اعتماد مدنی یا انتزاعی اشاره شده است:

الف) اعتماد نهادی: اعتماد نهادی دلالت دارد بر میزان مقبولیت و کارایی و اعتمادی که مردم به نهادها (رسمی دولتی) دارند. به تعبیر دوگان (۱۳۷۴) انعکاس فقدان اعتماد به نهادها در اغلب موارد، نتیجه بی‌اعتمادی به افرادی است که عهده‌دار امور آن نهادها هستند (علی پور و همکاران، ۱۳۸۸).

«بنابراین میزان اعتماد نهادی برحسب نوع ارزیابی مردم از کارکنان این نهادها در قالب ادارات، ارگان‌ها و نهادهای مختلفی که در زندگی روزمره با آن‌ها ارتباط دارند سنجیده می‌شود. اعتماد نهادی حالت انتزاعی اعتماد به نهادها و سازمان‌ها است. نهادها و سازمان‌های نظیر مدرسه، ارتش، دانشگاه، دادگاه، نیروی انتظامی، بنگاه‌های اقتصادی و... میزان اعتمادی که مردم به نهادها و گوناگون دارند، در بین جوامع متفاوت است و در طی زمان دستخوش تغییر می‌گردد. هم چنین نوعی از اعتماد به نهادها وجود دارد که اعتماد رویه ای نامیده می‌شود اعتمادی که در اعمال یا رویه‌های نهادی شده بر مبنای این اعتقاد وجود دارد که اگر از این رویه‌ها و اعمال پیروی شود، بهترین نتایج حاصل خواهد شد؛ مانند اعتماد به شیوه‌های مردم سالارانه (انتخابات، نمایندگی، اکثریت آراء...) به عنوان بهترین شیوه برای تأمین منافع بزرگ‌ترین بخش از جمعیت و کسب مستدل‌ترین توافق‌ها در میان منافع متعارض، یا اعتماد به درستی فرآیندهای قانونی به عنوان بهترین ابزار نیل به داوری موجه و عادلانه (زتومکا، ۱۳۸۶).

ب) اعتماد انتزاعی (مدنی): گیدنز، نظام‌های انتزاعی را نظام‌های انجام کار فنی یا مهارت تخصصی می‌داند که حوزه‌های وسیعی از محیط مادی و اجتماعی زندگی کنونی ما را تشکیل می‌دهد. مثل نظام پزشکی، نظام معماری و غیره. به نظر وی، ما از اعتماد به نهادهای مدرن و نظام‌های انتزاعی در موقعیتی که بسیاری از جنبه‌های مدرنیت جهانی شده است، ناگزیریم. یکی از معانی قضیه بالا این است که، هیچ‌کس نیست که بتواند از نظام‌های تخصصی در نهادهای مدرن کاملاً دوری گزیند. زندگی در دوره مدرن، توسط نظام‌های انتزاعی تخصصی تکه‌تکه می‌شود و یک نفر نمی‌تواند مانند گذشته، همه یا بیشتر کارهای خود را مستقلاً انجام دهد (گیدنز، ۱۳۷۷). البته به نظر زتومکا، اعتماد می‌تواند به مقولات انتزاعی دیگری مانند اعتماد به نظم، دموکراسی، علم و غیره نیز تعلق پیدا کند (زتومکا، ۱۳۸۶).

بر اساس دیدگاه گیدنز، اعتماد دارای چهار بعد است که عبارتند از:

- اعتماد بنیادی: اعتماد بنیادی نگرشی است که فرد نسبت به خود و دنیای پیرامون خود دارد و موجب تقویت این احساس می‌شود که افراد و امور دنیا قابل اعتماد و دارای ثبات و استمرار هستند (گیدنز، ۱۳۷۸).
  - اعتماد بین فردی: این اعتماد حاصل روابط مستقیم و چهره به چهره میان اعضای جامعه است.
  - اعتماد تعمیم یافته یا عام: این نوع اعتماد در سطحی گسترده‌تر از خانواده، دوستان و آشنایان قرار می‌گیرد. فراتر از روابط چهره به چهره قرار می‌گیرد و حامل شبکه موجود در سطوح فرافردی است؛ به گونه‌ای که اعتماد به مقوله‌های اجتماعی انتزاعی‌تر و گسترده‌تری قرار می‌گیرد.
  - اعتماد به نظام یا سیستم: در جامعه مدرن الزاماً دو سوی فرایند ارتباط را ارتباط‌گران انسانی تشکیل نمی‌دهند، بلکه انسان‌ها گاهی با کنش‌گران غیرفردی ارتباط برقرار می‌کنند. به این ترتیب، شکل دیگری از اعتماد مطرح می‌شود که متوجه ساختارهای غیرشخصی است. در این مورد، به دو نوع اعتماد مدنی و اعتماد نهادی اشاره شده است. اعتماد نهادی به نهادهای رسمی دولتی و اعتماد مدنی به نظام‌های تخصصی مربوط است (استون، ۲۰۰۱).
- تقسیم‌بندی دیگر از اعتماد مربوط به سطح کلان است که توسط پاتنام انجام شده است و می‌توان گفت در مقایسه با تقسیم‌بندی گیدنز جامع‌تر است. پاتنام به عنوان یک نظریه‌پرداز کلان نگر اعتماد را به عنوان ویژگی روابط اجتماعی و یا ویژگی نظام اجتماعی و به طور کلی به عنوان یک ویژگی جمعی مفهوم‌سازی می‌کند. او اعتماد را بعدی از سرمایه اجتماعی می‌داند که به پنج بعد تقسیم می‌نماید:

- اعتماد غیررسمی: همان اعتماد بین فردی است که در نظریه اعتماد گیدنز وجود دارد.
- اعتماد رسمی: همان اعتماد به نظام و سیستم است که در نظریه اعتماد گیدنز وجود دارد.
- اعتماد تعمیم یافته: این نوع اعتماد در نظریه اعتماد گیدنز وجود دارد.
- اعتماد به محیط: این نوع اعتماد در مواجهه با اتفاقات غیرمنتظره‌ای است که در محیط اطراف با آن مواجه می‌شویم.
- احساس امنیت: در این نوع اعتماد فرد با توجه به وجود امنیت در شرایط و محیطی که در آن قرار دارد، می‌تواند با اعتمادی که برایش ایجاد شده، به راحتی آنچه را می‌خواهد، انجام دهد (پاتنام، ۲۰۰۰).



## ۵- اعتماد اجتماعی به مثابه پدیده اجتماعی و اصول پنج گانه جامعه شناختی تحلیل دورکیمی آن

اصل اول: چیستی و ماهیت پدیده های اجتماعی: پدیده های اجتماعی دارای ماهیتی پیچیده، چند وجهی و چند بعدی هستند که می توان آنها را با استفاده از ابزارهای علمی (پرسشنامه / اندازه گیری نمود. نقش محقق آن است که ابعاد و مولفه های گوناگون موضوع تحقیق را تعیین و شناسائی کند، برای نمونه بیگانگی اجتماعی شامل پنج مولفه بیگانگی از خود، بیگانگی از کار، بیگانگی از خانواده، بیگانگی از روابط اجتماعی و بیگانگی از نهادهای اجتماعی گزارش شده است. سلامت اجتماعی دربردارنده پنج مولفه شکوفایی اجتماعی، همبستگی اجتماعی، پذیرش اجتماعی، مشارکت اجتماعی و انسجام اجتماعی بوده است.

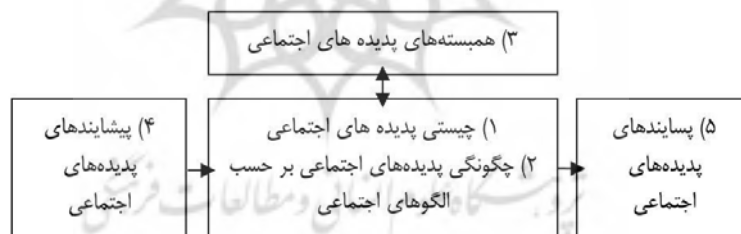
اصل دوم: الگوهای اجتماعی پدیده های اجتماعی: متغیرهای شائع مورد استفاده در تحقیقات اجتماعی، به مثابه الگوهای اجتماعی موضوع مورد بررسی تلقی می شوند. برای نمونه موضوع موفقیت تحصیلی بر حسب متغیرهای اجتماعی (شامل جنس، سن، تحصیلات، شغل، وضع تاهل، حوزه های اجتماعی محل سکونت، نژاد و قومیت، طبقه اجتماعی، دین) چگونه است؟ در این اصل به مقایسه موضوع تحقیق بر حسب الگوهای اجتماعی توجه می شود برای نمونه وضعیت اعتماد اجتماعی به تفکیک مردان و زنان، وضعیت اعتماد اجتماعی به تفکیک محل سکونت نقاط شهری و روستائی و غیره.

بررسی تمایزات (تفکیک های) اجتماعی نتیجه مقایسه پدیده های اجتماعی خواهد بود که دو وضعیت شناسائی می شود: الف) زمانی که تفاوت معناداری در خصوص پدیده اجتماعی بین گروههای تحقیق وجود دارد که این وضعیت نشان از وجود ناهمگونی (عدم تجانس) اجتماعی در خصوص پدیده اجتماعی دارد. ب) زمانی که تفاوت معناداری در خصوص پدیده اجتماعی بین گروههای تحقیق وجود ندارد که این وضعیت معرف همگونی (تجانس) اجتماعی در خصوص پدیده اجتماعی دارد.

اصل سوم: همبسته های پدیده های اجتماعی: روابط درهم تنیده ای بین موضوعات اجتماعی با یکدیگر مشاهده می شود. نقش محقق، بررسی چگونگی وجود یا عدم رابطه (همبستگی) بین دو پدیده اجتماعی می باشد. در این وضعیت تاکید بر روابط همبستگی است نه روابط علی.

اصل چهارم: پیشایندهای پدیده های اجتماعی (پدیده به مثابه متغیر وابسته): چه عواملی موجب شکل گیری پدیده اجتماعی می شوند؟ پدیده اجتماعی چگونه به وجود می آید؟ پدیده های اجتماعی موضوعاتی چند علی هستند و عوامل گوناگون در پیدائی آنها نقش دارند. وظیفه جامعه شناس آن است که عوامل مختلف در شکل گیری پدیده اجتماعی را شناسائی نموده، تاثیر هر کدام از آنها را مشخص کند.

اصل پنجم: پسایندهای پدیده های اجتماعی (پدیده به مثابه متغیر مستقل): کارکردهای پدیده های اجتماعی چیست؟ تعریف کارکرد از نظر جامعه شناسی همان اثر، نقش، وظیفه، پیامد، عاقبت، نتیجه، هدف و ماموریت است. هر پدیده اجتماعی دربردارنده چندین کارکرد است و در یک کارکرد واحد منحصر نمی شود. کار جامعه شناس شناسائی و تحلیل کارکردها (اثرات، پیامدها و نتایج) ی مختلف پدیده اجتماعی است.



### نمودار (۱) اصول پنج گانه تبیین جامعه شناختی پدیده های اجتماعی به طور عام و اعتماد اجتماعی به طور خاص

اعتماد اجتماعی به منزله واقعیت اجتماعی محسوب می شود (لوپس و وایگرت، ۱۹۸۵). اصول پنج گانه مورد بررسی رامی توان برحسب انواع وسطوح سه گانه تحلیل جامعه شناختی پدیده های اجتماعی به طور عام و اعتماد اجتماعی به طور خاص مشخص دسته بندی و طبقه بندی نمود:

(۱) در سطح مقدماتی و تحلیل یک متغیره:

الف) بررسی وضعیت اعتماد اجتماعی صرف نظر از متغیرها و موضوعات دیگر اجتماعی: چیستی اعتماد اجتماعی: مبانی نظری و پژوهشی در تبیین اعتماد اجتماعی چیست؟ میزان، مقدار و وضعیت کنونی اعتماد اجتماعی چقدر و چگونه می باشد؟

(۲) در سطح میانی و تحلیل دو متغیره:

ب) وضعیت اعتماد اجتماعی برحسب سیزده الگوی اجتماعی: بررسی اعتماد اجتماعی و مقایسه آن بر حسب جنس، سن، نژاد (قومیت)، تحصیلات، وضع تاهل، اشتغال، تعلقات دینی، وضعیت طبقاتی، حوزه های اجتماعی شهری و روستائی کدامند؟

ج) همبسته های اجتماعی اعتماد اجتماعی: آیا اعتماد اجتماعی با سائر متغیرهای فردی اجتماعی و فرهنگی ارتباط و همبستگی دارد؟ در صورت وجود ارتباط، میزان، مقدار و جهت آن چقدر است؟

1- Antecedence

2- Consequence

۳) در سطح پیچیده و تحلیل چند متغیره:

د) اعتماد اجتماعی به مثابه متغیر وابسته: پیشایندهای اعتماد اجتماعی کدامند؟ چه موضوعاتی در اعتماد اجتماعی تأثیر دارند؟ چه عواملی موجب شکل‌گیری اعتماد اجتماعی می‌شوند؟ تأثیر عوامل گوناگون در شکل‌گیری اعتماد اجتماعی چه مقدار است؟  
ه) اعتماد اجتماعی به مثابه متغیر مستقل: پیشایندهای اعتماد اجتماعی کدامند؟ اعتماد اجتماعی در چه موضوعاتی تأثیر دارد؟ پیامدها، اثرات و کارکردهای مختلف فردی، اجتماعی، خانوادگی، فرهنگی، شغلی، آموزشی اعتماد اجتماعی در سطوح متعدد زندگی اجتماعی چیست؟

## ۶- مبانی نظری تحقیق (نظریه‌های اعتماد اجتماعی)

اندیشه اعتماد اندیشه جدیدی نیست و ریشه در گذشته‌های دور دارد و در مسیر تطور خود پیچیده و گسترده شده است. اندیشه اعتماد یک جریان فکری چندین‌قرنی است. مهم‌ترین مساله برای بنیان‌گذاران جامعه‌شناسی، اعتماد و همبستگی اجتماعی است، یعنی بدون انسجام و نوعی اعتماد، پایداری نظم اجتماعی غیر ممکن است (چلبی، ۱۳۷۵).

امیل دورکیم، اعتماد را آرامشی می‌داند که حاصل زندگی مسالمت‌آمیز بشر در کنار هم‌نوعانش در حالت صلح و به دور از هرگونه دشمنی و خصومت است. گئورگ زیمل، اعتماد را معادل کلمه ایمان به کار می‌برد و به اعتقاد وی نوعی ایمان و اعتقاد به افراد جامعه است. تونیس از جمله اندیشمندانی است که معتقد است روابط مبتنی بر اعتماد تنها در گمین‌شافت وجود دارد و این نوع روابط در گزل‌شافت با آن شدت وجود ندارد. جورج زیمل با طرح مبادله و بیان منافع پشت‌سر آن، اعتماد را یکی از مهم‌ترین ضرورت‌های مبادله قلمداد کرده است. به اعتقاد او بدون اعتماد عمومی افراد به یکدیگر جامعه تجزیه می‌شود. ماکس وبر ضمن تأکید ویژه بر کنش اجتماعی و نیت‌مندی معانی، معتقد بود منافع موتور کنش هستند و اعتماد همچون ارزشی که در لایه‌های پسین کنش‌هاست، می‌تواند به کمک منافع عمل‌گرایانه ایجاد و مستحکم شود.

تالکوت پارسونز به مسئله هنجارها و ارزش‌ها و نقش آنها در ایجاد انتظارات مشخص از کنشگران دیگر یا همان اعتماد متقابل اشاره دارد. پارسونز با مبانی نظری نظم اجتماعی، اعتماد را مدل درونی شده ارزشها، هنجارها و تعهدات از طریق عام‌گرائی می‌داند. پارسونز اعتماد اجتماعی را منبع اصلی نظم اجتماعی دانسته و هم‌چنین عامل ایجاد اتحاد و انسجام اجتماعی و ثبات و نظم را اعتماد می‌داند. وی مبنای اعتماد را توافق در ارزشهای جمعی در نظر می‌گیرد. به عقیده وی اعتماد، این باور را در افراد ایجاد می‌کند که دیگران به منظور دستیابی به یک موقعیت گروهی از منافع شخصی دست می‌کشند. وی نظام منسجم را نظامی می‌داند که بتوان به عاملان آن در انجام وظایف‌شان اعتماد کرد که این امر خود به پایداری و نظم سیستم اجتماعی کمک می‌کند. در میان اندیشمندان معاصر نیز جایگاه و اهمیت اعتماد در نظریه‌های اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است که در دهه هشتاد با تلاش‌های فکری گسترده نیکلاس لومان (۱۹۷۹) و برنارد باربر (۱۹۸۳) از حاشیه به جایگاهی مهم در اندیشه اجتماعی نائل شده است. با مروری بر نظریه پردازی‌های صورت گرفته، اعتماد و نظریه‌های مربوط به آن را می‌توان در سه سطح خرد، میانی و کلان مورد توجه قرار دهیم. در هر یک از این سطوح، می‌توان تئوری‌های متفاوتی را قرار داد که هر یک از منظر و دیدگاه خاصی به اعتماد می‌نگرند (ریترز، ۱۳۸۶):

الف) در سطح خرد اعتماد به عنوان ویژگی فردی مطرح می‌شود و بر احساسات، عواطف و ارزش‌های فردی تأکید می‌گردد و در بررسی اعتماد تئوری‌های شخصیت و متغیرهای فردی مورد توجه قرار می‌گیرد. بر اساس این دیدگاه اعتماد با مفاهیمی چون همکاری، صداقت، وفاداری، صمیمیت، امید و دگرخواهی ارتباط نزدیکی دارد. نظریه پردازانی همچون کلمن، اریکسون، پیتر ام بلاو و جانسون و ... از منظر نظریه‌های خرد به بررسی و تحلیل مفهوم اعتماد پرداخته‌اند. نظریه پردازان خردنگر به منظور تحلیل معنا و مفهوم اعتماد سطح تحلیل خرد و سطح مطالعه کنش را برگزیده‌اند. همه این نظریه‌پردازان اعتماد را به عنوان یک ویژگی فردی و متأثر از کنش‌های افراد در نظر می‌گیرند و در تحلیل و بررسی اعتماد به عوامل فردی و خرد، یعنی عواملی که متأثر از برخوردها، مبادلات و یا ویژگی‌های زیستی، روانی و شخصیتی فرد یا افراد است، توجه دارند.

ب) در سطح کلان اعتماد به عنوان ویژگی روابط اجتماعی و یا ویژگی نظام اجتماعی و به طور کلی به عنوان یک ویژگی جمعی مفهوم سازی می‌شود. نظریه‌پردازان کلان‌نگر مانند دورکیم، زیمل، ماکس، وبر، اینگلهارت و پاتنام، فوکویاما، لومان و غیره معتقد به عوامل ساختاری و کلان اعتماد هستند و در بررسی و تحلیل مفهوم اعتماد سطح مطالعه خود را بر روی ساخت اجتماعی متمرکز ساخته‌اند. آنان اعتماد را به عنوان ویژگی روابط اجتماعی و نظام اجتماعی و به طور کلی به عنوان یک ویژگی جمعی مفهوم‌سازی می‌کنند.

ج) در بینابین نظریه‌های خرد و کلان اعتماد، نظریه پردازانی چون گیدنز با طرح تئوری ساختار بندی هر گونه تقلیل‌گرایی را در بررسی مفهوم اعتماد رد کرده و با تلفیق سطح تحلیل خرد و کلان و سطح مطالعه ساخت و کنش به بررسی و تحلیل مفهوم اعتماد پرداخته‌اند. به عقیده گیدنز "در جوامع پیش از مدرن اعتماد از نوعی پابندی چهره دار و مبتنی بر هم‌حضور بوده است. در حالی که در عصر مدرنیته و جهان مدرن امروزی وضعیت این چنین نیست. اعتماد غیر شخصی به دیگران ناشناس ناشی از ماهیت رشد‌یابنده نظام‌های انتزاعی می‌باشد. وجه عمده اعتماد در دوران مدرنیته، پابندی بی‌چهره‌ای است که در نظام‌های تخصصی معنا پیدا می‌کند

«به نظر می‌رسد اتخاذ یک دیدگاه ترکیبی در مقایسه با اتکای انحصاری بر هر یک از این دیدگاه‌ها (اعتماد به عنوان ویژگی شخصیتی و فردی یا اعتماد به عنوان ویژگی نظام اجتماعی) می‌تواند ثمربخش و کارآمدتر باشد. چنین دیدگاهی می‌تواند اعتماد را به عنوان مفهومی ارزش‌مند برای چیرگی بر تمایز بین سطح کلان و خرد مطرح سازد. آن‌ها درحالی که کار خود را با انتظارات مردم شروع می‌کنند، اعتماد را به عنوان بعدی از ساخت اجتماعی مورد بررسی قرار می‌دهند که به شکل کامل و منحصر نمی‌تواند در سطح روان‌شناختی یا در سطح نهادی مطالعه شود بلکه برای درک آن، ویژگی روان‌شناختی و سطح نهادی باید به طور همزمان مورد توجه قرار گیرند» (میزتال، ۱۹۶۶؛ به نقل از امیرکافی، ۱۳۸۰).

(۱) جیمز کلمن: اعتماد از نظر کلمن، یک مفهوم محوری است. به نظر کلمن، افراد برای این به کنش اجتماعی می‌پردازند که نیازهای خود را رفع کنند و رفع نیازها تنها از طریق بده بستان‌های اجتماعی امکان‌پذیر است؛ بنابراین مبادلات نقش اساسی در ساختن کنش‌های اجتماعی دارند. جیمز کلمن بر اساس نظریه‌های انتخاب عقلانی و مبادله، کنشگران را عاملانی هدفمند در نظر می‌گیرد که به آن کنشی اقدام می‌کنند که احتمال موفقیت در آن بیشتر باشد و در این راه محاسبه سود و زیان خود را می‌کنند. (کلمن، ۱۳۷۷).

نظریات جیمز کلمن که در چارچوب نظریات سرمایه اجتماعی مطرح شده است، اگرچه به ابعاد اعتماد شخصی و انتزاعی توجه دارد، اما به طور کلی شیوه روانشناختی مبادله را مبنای تحلیل‌های خود قرار داده است. طبق نظر کلمن چون انسان موجودی عقلانی است که کنش‌های او مبتنی بر گزینش معقولانه است، لذا اگر جریان و رابطه اعتمادی سودآور باشد، اعتماد و روابط اعتمادی بیشتر خواهد شد ولی اگر این رابطه اعتماد سودآور نباشد و یا اینکه باعث ریسک بالا و عدم کسب سود متناسب باشد آنگاه اعتماد و رابطه اعتمادی کاهش می‌یابد. از نظر کلمن، اعتماد اجتماعی دلالت بر انتظارات و تعهدهای اکتسابی تأیید شده به لحاظ اجتماعی که افراد نسبت به یکدیگر و نسبت به سازمان‌ها و نهادهای مربوط به زندگی اجتماعی‌شان دارند، تعریف شده است.

(۲) رابرت پاتنام: پاتنام معتقد است نوعی تحلیل تعادلی بین سه عنصر مهم سرمایه اجتماعی (اعتماد، هنجارها، شبکه‌ها) برقرار است. منظور وی از این سه عنصر اعتماد اجتماعی، هنجارهای معامله متقابل و شبکه‌های مدنی است که هر یک باعث تقویت دیگری می‌شود. وی معتقد است اعتماد اجتماعی به هنجارهای معامله متقابل، شبکه‌های اجتماعی و مشارکت مدنی و همکاری موفقیت‌آمیز متقابلاً یکدیگر را تقویت می‌کنند. هنجارهای همیاری و شبکه‌های مشارکت مدنی باعث افزایش اعتماد و همکاری‌های اجتماعی می‌شود؛ چرا که انگیزه‌های عهدشکنی و نیز جو ابهام‌آمیز و غیر شفاف را کاهش می‌دهند (پاتنام، ۱۹۹۳) از نظر وی اعتماد اجتماعی و هنجارهای متقابل به عنوان ضرورتی برای توسعه تعهد مدنی افراد مطرح شده است. شبکه‌های مشارکت مدنی در اجتماعات داوطلبانه جنبه‌های دیگر از شاخص‌های اساسی سرمایه اجتماعی است. لذا پاتنام مشارکت در شبکه‌های اجتماعی و مدنی را از سازوکارهای تبدیل اعتماد شخصی یا خاص، اعتماد اجتماعی یا تعمیم یافته معرفی می‌کند. از طرف دیگر، پاتنام وجود اعتماد اجتماعی در جامعه را موجب تقویت هنجارهای همیاری و فعالیت‌های مدنی می‌داند و معتقد است، کسانی که به همسپهریان خود اعتماد می‌کنند، بیشتر داوطلب اجرای برخی از کارها می‌شوند، بیشتر صدقه می‌دهند، مشارکت بیشتری در سیاست و سازمان اجتماعی دارند، در مقابل دیدگاه بردبارترند و احتمال بیشتری وجود دارد که به حقوق دیگران احترام بگذارند (پاتنام ۲۰۰۰)

(۳) فرانسویس فوکویاما: فوکویاما با نوعی رویکرد اقتصادی به تبیین مسأله اعتماد می‌پردازد و مبنای نظری و کانون تمرکز وی بر حفظ سرمایه اجتماعی به عنوان مجموعه معینی از هنجارها و ارزش‌های غیر رسمی است و اعضای گروهی که با یکدیگر همکاری و همیاری دارند، در آن سهیم هستند. در واقع، فوکویاما معتقد است که اعتماد، انتظاراتی است که بر اساس هنجارهای مشترک و صداقت و رفتارهای همکاری جویانه ایجاد می‌گردد. از دید فوکویاما این ارزش‌ها و هنجارها باید شامل سجایی از قبیل صداقت، ادای تعهدات و ارتباطات دو جانبه باشد. به طوری که مشارکت در این ارزش‌ها و هنجارهای غیر رسمی با چنین ویژگی‌هایی، توسط گروهی از افراد که با یکدیگر همکاری دارند اعتماد را به وجود می‌آورد. البته به عقیده فوکویاما این همکاری و همیاری به منظور افزایش بهره‌وری اقتصادی صورت می‌گیرد و بنابراین وی اعتماد را بر مبنای سرمایه اجتماعی و در عرصه اقتصادی مطرح می‌سازد. وی افزایش سطح بی‌اعتمادی در جامعه، کاهش سطح تعهدات اجتماعی، پایین آمدن میزان مشارکت‌های اجتماعی و افزایش آسیب‌های اجتماعی را معلول کاهش سرمایه اجتماعی می‌داند. «به نظر فوکویاما، از یک سو، بی‌اعتمادی باعث فرسایش سرمایه اجتماعی گردیده و به انزوای ذره‌ای شدن، گسسته شدن پیوندها و از بین رفتن شبکه روابط بین فردی می‌انجامد؛ و از سوی دیگر، با تحریک و برانگیختن افراد و جستجو برای یافتن جانشین‌ها، اغلب با پذیرش هویت‌های غیرقانونی (در باندهای بزهکاری، خرده فرهنگ‌های منحرف و نظایر آن) فرد را از حالت خود خارج نموده و او را از خود بیگانه می‌سازد» (تومکا، ۱۳۸۶). «فوکویاما در کتاب «فروپاشی بزرگ: ماهیت انسانی و بازسازی نظم اجتماعی» (۱۹۹۹) به طور مشخص در باره هنجارها و ارزش‌های اجتماعی بحث می‌کند. به نظر او از اوایل دهه ۱۹۶۰ تا اوایل دهه ۱۹۹۰ بیشتر کشورهای غربی شاهد فروپاشی‌ای در نظم اجتماعی بوده‌اند. به نظر او این فروپاشی بزرگ به سه شکل خود را نشان داده است: اول افزایش در جرم، دوم افول در اعتماد بین شخصی و سوم اضمحلال خانواده (فیروزجاییان و علی بابایی، ۱۳۹۲)

(۴) آنتونی گیدنز: دیدگاه جامعه‌شناس بریتانیایی آنتونی گیدنز به دلیل اینکه هر دو وجه جامعه‌شناسی و روانشناسی را به صورت توأمان در تبیین اعتماد اجتماعی به کار گرفته، توجه بسیاری از محققین داخلی و خارجی را به خود جلب نموده و بسیاری از آن‌ها با محوریت این تئوری به بررسی این پدیده اجتماعی پرداخته‌اند. مهم‌ترین خصلت آرای گیدنز تلفیق سطوح خرد و کلان و

نیز ویژگی تحلیل الگوهای اعتماد در دوران ماقبل مدرن و مابعد مدرنیته و چگونگی ساز و کار تغییر آن می باشد. به عقیده وی "پویایی مدرنیته سه سرچشمه مهم دارد: "جدایی زمان و مکان"، "تحول مکانیسم های از جا کنده‌گی" و "تخصیص بازاندیشانه" (گیدنز، ۱۳۷۸). از نظر گیدنز "اعتماد در جوامع ماقبل نوین از اهمیت کمتری در مقایسه با جوامع نوین برخوردار است. چرا که افراد هر چه فاصله زمانی- مکانی بیشتری از هم داشته باشند، به اعتماد بیشتری نیاز خواهند داشت (ریترز، ۱۳۸۶).

کند و کاو در مباحث نظری گیدنز پیرامون اعتماد حاکی از آن است که تئوری ساختاربنندی وی که در جهت فائق آمدن بر جدل های بین نظریه پردازان سطح خرد و کلان طراحی گردیده است می تواند به عنوان چارچوب نظری مناسب برای تحلیل مسأله بسیار مهم اعتماد اجتماعی باشد و پژوهشگرانی که هم قصد انجام مطالعه در این حوزه را دارند می توانند با استفاده از تئوری هایی از این قبیل و با تلفیقی از هر دو سطح تحلیل خرد و کلان و سطح مطالعه ساخت/ کنش به بررسی دقیق این پدیده اجتماعی در جامعه آماری مورد بررسی بپردازند.

۵) رونالد اینگلهارت: «اینگلهارت معتقد است سرمایه اجتماعی فرهنگ اعتماد و مداراست که در آن شبکه‌های گسترده سازمان‌های داوطلبانه می‌روید. شبکه‌ها نتیجه اعتماد مردم به یکدیگرند، نه اینکه اعتماد محصول جانبی انجمن شدن مردم با یکدیگر باشد. مردمی که به یکدیگر اعتماد می‌ورزند، با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند و در وضعیت‌های مختلف از گروه کر و تیم های ورزشی گرفته تا محل کار انجمن تشکیل می‌دهند تا بدین وسیله بیشتر اعتماد بورزند. از نظر او سرمایه اجتماعی (همان اعتماد) نقشی بسیار مهم در حیات سیاسی اقتصادی ایفا می‌کند» (تاجبخش، ۱۳۸۴). او معتقد است که اعتماد اجتماعی متقابل یکی از پیش‌نیازهای فرهنگ مدنی و ایجاد دموکراسی پایدار محسوب می‌شود. همچنین، بخشی از نشانگان فرهنگی پایدار است که به بقای دموکراسی منجر می‌شود. اعتماد در ایجاد حس مشارکت و تعاون نقش مؤثری دارد و به مردم کمک می‌کند تا علایق و منافع خود را با امیال و علایق دیگران هماهنگ کنند و فرصت لازم در اختیار رهبران سیاسی قرار دهند تا اصلاحاتی انجام دهند و از همه مهمتر اینکه ارتباط و گفتگوها را میسر و مستحکم می‌کند (اینگلهارت، ۱۳۷۳). وی با استفاده از یافته‌های پیمایش‌های جهانی ارزش‌های این نظریه را مطرح می‌کند که در تعیین اعتماد در جامعه، مذهب بیش از توسعه اقتصادی نقش دارد. یافته‌های دیگر او بیانگر آن است که بالاترین سطح اعتماد را می‌توان در میان پیروان مذهب پروتستان و آیین کنفوسیوس و پایین‌ترین سطح را در میان مسلمانان و کاتولیک‌ها یافت (کازمی پور، ۱۳۸۱). اینگلهارت نیز به تبعیت از آلموند و وربا اعتماد به یکدیگر را شرط تشکیل روابط ثانوی می‌داند که به نوبه خود برای مشارکت سیاسی مؤثر در هر دموکراسی وسیع لازم است. حس اعتماد همچنین برای اجرای قوانین دموکراتیک لازم است (اینگلهارت، ۱۳۷۳).

۶) پیوتر زتومکا: «زتومکا» نویسنده و پژوهشگر نام‌آور لهستانی، ضمن ارائه یک ارزیابی جامع از اعتماد، بحث خود را در کتاب "نظریه جامعه‌شناختی اعتماد" بر محورهای زیر استوار می‌کند: چرخش نظریه جامعه‌شناختی از متغیرهای سخت به متغیرهای نرم، مفهوم و اندیشه اعتماد، انواع اعتماد، کارکردهای اعتماد، بنیادهای اعتماد، فرهنگ اعتماد و در نهایت اعتماد در نظام‌های خودکامه و دموکراسی. زتومکا «اعتماد را کارآمدی عمومی در ایجاد توانایی برای همکاری، ارتباط، خلاقیت، تحمل، سرمایه اجتماعی و نظایر آن می‌داند». از این رو اعتماد به عنوان مهم‌ترین شاخص سرمایه اجتماعی، سازوکاری برای ایجاد انسجام و وحدت در نظام‌های اجتماعی و تسهیل گر مشارکت، تعاون اجتماعی و پرورش ارزش‌های مردم سالارانه است و موجب پیوند وثیق شهروندان با نهادهای مختلف اجتماعی می‌شود و موثر در تقویت، ارتقاء اثربخشی و مشروعیت نهادهای اجتماعی است. زتومکا دلایل توجه به مفهوم اعتماد در جامعه‌شناسی را چنین بازگو می‌کند (زتومکا، ۱۳۸۶):

- ۱- اعتماد بعد مهمی از فرهنگ مدنی است.
- ۲- اعتماد بعد مهمی از جامعه مدنی است. به این معنی که اجتماع منسجم، متعهد و وفادار نسبت به اقتدار سیاسی، بدون اعتماد افقی افراد نسبت به یکدیگر و اعتماد عمودی در بین نهادهای مختلف نمی‌تواند برقرار باشد.
- ۳- اعتماد یکی از مولفه‌های مهم و حیاتی سرمایه اجتماعی است.
- ۴- اعتماد با ارزشهای فرامادی پیوند دارد، به گونه‌ای که کیفیت زندگی و بهزیستی روانی پیوستگی مستحکمی با اعتماد تعمیم یافته دارد.
- ۵- اعتماد یکی از عناصر صلاحیت و کفایت تمدنی است و پیش‌نیاز مشارکت سیاسی، اقدامات کارفرمایانه و آمادگی برای اخذ فن‌آوری جدید است.

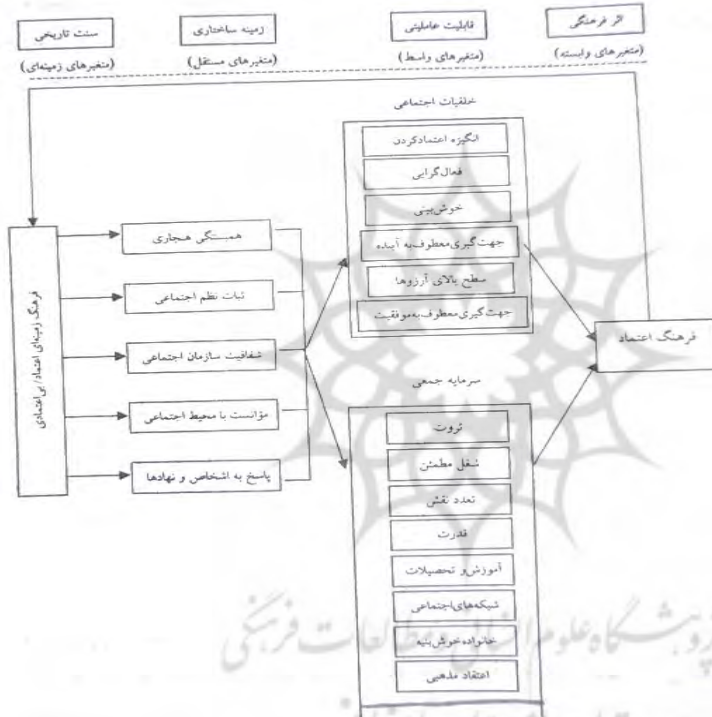
زتومپکا در تعیین جایگاه هستی‌شناختی اعتماد؛ به عبارتی مشخص کردن جایگاه اعتماد در قلمرو واقعیت، آن را به سه بعد تقسیم می‌کند: الف) اعتماد به عنوان یک ارتباط (نوعی تعهد و انتظار یک جانبه)؛ ب) اعتماد به عنوان یک ویژگی شخصی (انگیزه اصلی فرد اعتمادکننده)؛ ج) اعتماد به عنوان یک قاعده فرهنگی: از این دیدگاه، اعتماد نه تمایل محاسبه‌گرا و نه تمایل روانشناختی به حساب می‌آید؛ بلکه یک قاعده فرهنگی است که تحت عنوان «امر اجتماعی» مطرح شده است.

زتومکا با ارائه یک سنخ‌شناسی جامع از مفهوم اعتماد و تعریف آن به صورت دقیق، با نظریه‌ای تلفیقی به بحث عاملیت و ساختار پرداخته است. معتقد است که اعتماد بر روی سه پایه بنا می‌گردد که عبارتند از «قابلیت اعتماد»، «انگیزه اعتماد کردن» و «فرهنگ اعتماد». «فرهنگ اعتماد» دربرگیرنده هنجارها، ارزش‌ها و تجاربی است که در ارتباط با اعتماد در جامعه شکل گرفته و مجموعاً فرهنگ اعتماد را به وجود آورده اند. کنش‌ها و رفتارهای مبتنی بر اعتماد نیز بر اساس همین ارزش‌ها، هنجارها و ... شکل می‌گیرند. از این چشم‌انداز است که زتومکا فرهنگ اعتماد را محصول ترکیب ساختار و کنش می‌داند. دریک کلام، فرهنگ به کنش‌ها جهت می‌دهد و کنش‌ها نیز باعث شکل‌گیری و قوام فرهنگ می‌شوند. زتومکا معتقد

است اگر ساختارها اعتماد ساز باشند، نقش اساسی در ظهور فرهنگ اعتماد خواهند داشت. زتومکا در بحث بر روی شرایط ساختاری، پنج شرط را به عنوان پیش فرض مطرح می‌سازد که زمینه عمل کنشگران را فراهم می‌آورند و می‌توانند منشا پیدایش فرهنگ اعتماد و یا سلب اعتماد و هدایت به سوی فرهنگ عدم اعتماد باشند. این پنج شرط یعنی ۱) وحدت (انسجام و یکپارچگی) (هنجاری، ۲) پایداری نظم اجتماعی (ثبات نظام اجتماعی)، ۳) شفافیت سازمان اجتماعی، ۴) انس و آشنایی با محیط و ۵) پاسخگو بودن افراد و نهادها (پاسخگویی سازمان در قبال مردم یا دیگر نهادها و سازمان‌ها)، شرایط مناسب را برای شکل‌گیری استعدادها در کنشگر انسانی و فرصتهایی را برای شرط‌بندی بر روی اعتماد فراهم می‌سازند.

«قابلیت اعتماد» می‌تواند به عنوان زمینه‌ای تاثیرگذار بر کنش‌های افراد عمل نماید. زتومکا پیدایش فرهنگ اعتماد را در طی فرآیندی به نام "شدن اجتماعی" مورد بحث قرار می‌دهد. فرآیند پیدایش فرهنگ اعتماد نمونه‌ای از فرآیند کلی‌تر است که از طریق آن، فرهنگ‌ها، ساختارهای اجتماعی، نظام‌های هنجاری، نهادها، سازمان‌ها و موجودات اجتماعی کلان دیگر در حال شکل‌گیری هستند. شدن فرهنگ اعتماد به عنوان نمونه‌ای از فرآیندهای گسترده‌تر شدن اجتماعی مطرح می‌گردد.

زتومکا با رویکردی تلفیقی نظریه «شدن اجتماعی اعتماد» را درباره شکل‌گیری «فرهنگ اعتماد» در جامعه مطرح می‌کند. او در عین اینکه بحث عاملیت انسانی (کنش‌های فردی یا جمعی و خلقیات اجتماعی) و در راستای آن مفهوم سرمایه فردی و جمعی (حاصل جمع امکاناتی که در اختیار افراد جامعه قرار دارد) را مطرح می‌سازد، از زمینه‌های ساختاری نیز به عنوان عامل مهم و مؤثر در اعتماد همگانی (فرهنگ اعتماد) نام می‌برد. «فرهنگ اعتماد» محصول ترکیب ساختار و کنش است. عوامل متعددی بر میزان اعتماد در جوامع تأثیر گذار است که عبارتند از:



نمودار ۲) مدل شدن (سیرورت) اجتماعی اعتماد زتومکا (۱۳۸۶)

در یک جدول تطبیقی می‌توان دیدگاه‌های شش نظریه پردازان نظریه اعتماد را به صورت ذیل مقایسه و شباهت‌ها و تفاوت‌های آنها را مشخص نمود (جدول شماره ۱).

جدول ۱) مولفه‌های اعتماد اجتماعی به تفکیک مولفه و صاحب نظر اجتماعی

محقق	روابط	گسترده	مشترک	هنجارهای شخصی	ویژگی‌های اجتماعی	سرمایه	آشنایی	انس و پاسخگویی	شفافیت	اجتماعی	پایداری نظم اقتصادی	توسعه	دموکراسی	عقلانی	گرایش
فوکویاما	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
پاتنام	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
اینگلهارت	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
کلن	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
گیدنز	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
زتومکا	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*

## ۷- سابقه و پیشینه پژوهش

(۱) سابقه و تاریخچه پژوهش اعتماد اجتماعی در ایران:

### الف) مطالعات نظری (حوزه نشر کتاب):

- (۱) مقاله بررسی مفهوم اعتماد در میان جامعه شناسان کلاسیک (باربارا میزتال ترجمه ناصر الدین غراب، ۱۳۸۰)
  - (۲) مقاله اعتماد اجتماعی در جامعه مدرن (باربارا میزتال، معرف ناصرالدین غراب، ۱۳۸۰)
  - (۳) کتاب اعتماد یک نظریه جامعه‌شناختی (پیوتر زتومکا ترجمه فاطمه گلایی، ۱۳۸۴)
  - (۴) کتاب اعتماد: نظریه‌ی جامعه‌شناختی (پیوتر زتومکا، ترجمه غلامرضا غفاری، ۱۳۸۶)
- ب) تحقیقات تجربی (موج اولیه آن در مجلات علمی ایران):
- (۱) بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در نواحی روستایی شهر کاشان (مصطفی ازکیا و غلامرضا غفاری، ۱۳۸۰)
  - (۲) بررسی ارتباط بین اجزاء، سطوح و ابعاد ساختار اعتماد اجتماعی (داود بهزاد، جلال صدرالسادات و علیرضا کلدی، ۱۳۸۲)
  - (۳) اعتماد، اجتماع و جنسیت (تقی آزاد ارمکی و افسانه کمالی، ۱۳۸۳)
  - (۴) عوامل موثر بر شکل‌گیری اعتماد اجتماعی دانشجویان (محمد عباس زاده، ۱۳۸۳)
  - (۵) بررسی بنیان‌های سرمایه اجتماعی با تکیه بر اعتماد اجتماعی (مطالعه موردی دانشجویان شهر اراک ۱۳۸۴) (مریم یارمحمد توسکی و غلامرضا توسلی، ۱۳۸۴)
  - (۶) بررسی اعتماد اجتماعی و عوامل موثر بر آن در بین ساکنان شهر زنجان (سجاد اوجاقلو و محمد جواد زاهدی، ۱۳۸۴)
  - (۷) تاثیر اعتماد اجتماعی بر مشارکت با تاکید بر نقش و عملکرد شوراهای اسلامی (مطالعه موردی آذربایجان شرقی) (محمد جواد ناطق پور و فاطمه گلایی، ۱۳۸۴)

### ج) مرور تحقیقات پیشین:

تحقیق حاضر نشان داده که سه مقاله به مرور و سابقه تحقیقات اعتماد اجتماعی در ایران ثبت شده است:

- (۱) «تأثیر دینداری بر اعتماد فراتحلیل پژوهش‌های ده سال اخیر در ایران» (ابوتراب طالبی وزینب حاجیلو، ۱۳۹۲): ترکیب شانزده یافته مطالعات و بررسی ضرایب اثر نشان می‌دهد بین «دینداری و اعتماد» رابطه معناداری وجود دارد و شدت این رابطه به طور متوسط حدود ۰/۴ گزارش شده است.
  - (۲) «شکل‌گیری اعتماد اجتماعی و فراتحلیل عوامل موثر در آن» (مهرداد جواهری پور، محمدرحیمی و رضامومن پور، ۱۳۹۳): جامعه آماری کلیه تحقیقات و پیمایش‌های داخل کشور است که از سال ۱۳۷۰ به بعد توسط دانشگاه‌ها، سازمان‌ها و موسسات دولتی بوده است. در این پژوهش با تاکید بر رویکردی تلفیقی و چند عاملی، عوامل موثر بر اعتماد اجتماعی به عوامل زمینه‌ای و اجتماعی تقسیم شده و مورد بررسی قرار گرفته و پیشنهادهایی برای افزایش اعتماد اجتماعی در جامعه ارائه شده است.
  - (۳) «فراتحلیل مطالعات رابطه بین اعتماد اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی» (ایوب سخایی، محسن نیازی، حسین رضایی و سعید حسینی زاده آرانی، ۱۳۹۶): جامعه آماری ۲۷ پژوهش انجام شده تا پایان سال ۱۳۹۳ بوده است. اندازه اثر برآورد شده در نمونه‌های مورد پژوهش ۰/۴۷۸ می‌باشد که بر اساس نظام تفسیر کوهن در محدوده اطمینان در سطح متوسط می‌باشد.
- (۲) سابقه و تاریخچه پژوهش اعتماد اجتماعی در خارج:
- الف) مطالعات نظری (سابقه حوزه نشر کتاب لاتین اعتماد اجتماعی):
- آثار علمی آموزشی در حوزه اعتماد اجتماعی به زبان انگلیسی طی سالهای ۱۹۷۹ تا ۲۰۲۱ منتشر شده است که آغازین آنها کتاب اعتماد و قدرت لومان (۱۹۷۹) بوده و عناوین سی و هفت کتاب مورد نظر به قرار ذیل گزارش می‌شوند:

- 1) Luhmann, N. (1979). Trust and Power.
- 2) Barber, B. (1983). The Logic and Limits of Trust.
- 3) Gambetta D (ed.) (1988) Trust: Making and Breaking Cooperative Relations. Oxford: Blackwell
- 4) Briathwaith and Levi. (1988). Trust and Governance.
- 5) Earle, T., and Cvetkovich, G. (1995). Social Trust: Toward a Cosmopolitan Society
- 6) Fukuyama, F. (1995). Trust: The Social Virtues and The Creation of Prosperity
- 7) Misztal BA (1996) Trust in Modern Societies: The Search for the Bases of Social Order. Cambridge
- 8) Govier T. (1997). Social Trust and Human Communities
- 9) Seligman AB (1997) The Problem of Trust. Princeton University Press.
- 10) Hollis, M. (1998). Trust within Reason. Cambridge
- 11) Sztompka P. (1999). Trust: A Sociological Theory. Cambridge.
- 12) Warren, M.E. (1999). Democracy and Trust. Cambridge University Press
- 13) Tonkiss, F., A. Passey, N. Fenton and L.C. Hems. (2000). Trust and civil Society.
- 14) Cook, R. (2001). Trust in society. Russell Sage Foundation.
- 15) Castelfranchi, C and Yao-Hua Tan. (2001). Trust and Deception in Virtual Societies
- 16) Buskens, V. (2002). Social Networks and Trust.
- 17) Nooteboom, B. (2002). Trust: Forms, foundations, functions, failures and figures.
- 18) Uslaner, E. (2002). The Moral Foundations of Trust. Cambridge University Press
- 19) Hardin, R. (2002). Trust and Trustworthiness
- 20) Markova, I. (2004). Trust and Democratic Transition in Post-Communist Europe. Oxford.
- 21) Hardin, R. (Ed.). (2004). Distrust.
- 22) Rothstein, B. (2005). Social Traps and the Problem of Trust. Cambridge:

- 23)Tilly.C. (2005).Trust and Rule. Cambridge  
 24)Cook,KS, Hardin, R., and Levi, M. (2005), Cooperation Without Trust  
 25)Hardin R (2006) Trust. Cambridge.  
 26)Möllering G (2006) Trust: Reason, Routine, Reflexivity. Oxford.  
 27)Castelfranchi,C and R. Falcone. (2010).Trust Theory: A Socio-Cognitive and Computational Model.  
 28)Yamagishi, T. (2011). Trust: The Evolutionary Game of Mind and Society.  
 29)Sasaki.M, and R. Marsh. (2012).Trust: Comparative Perspectives.Publisher : Brill  
 30)Lyon, F., Möllering,G & Saunders, M. N. K. (Eds.). (2012). Handbook of research methods on trust.  
 31)Blöbaum.B. (2016).Trust and Communication in a Digitized World : Models and Concepts of Trust..Springer  
 32)Six, F. E., & Verhoest, K. (2017). Trust in regulatory regimes.  
 33)Uslaner.E. (2018).The Oxford Handbook of Social and Political Trust.  
 34)Sasaki. M. (2019).Trust in Contemporary Society  
 35)Vallier.K. (2020).Trust in a Polarized Age.Oxford University Press.  
 36)Simon.G. (2020).The Routledge Handbook of Trust and Philosophy  
 37)Vallier.K, and M.Weber. (2021).Social Trust: Foundational and Philosophical Issues. Routledge.

«اعتماد اجتماعی: مباحث بنیادین و فلسفی» نوشته والیر و وبر (۲۰۲۱) جدیدترین تولید دانش در حوزه نشر کتاب گزارش شده است. این کتاب دارای دیدگاه‌های میان رشته‌ای در مورد اعتماد اجتماعی است. نویسندگان چهار موضوع اصلی مربوط به اعتماد اجتماعی را بیان می‌کنند. اولین مبحث کار تجربی و رسمی در مورد هنجارها و اعتماد نهادی، به ویژه روابط بین اعتماد و رفتار انسان است. مبحث دوم مربوط به اعتماد به نهادهای خاص، به ویژه سیستم حقوقی، جامعه علمی و اجرای قانون است. سوم، مشارکت کنندگان در حفظ اعتماد اجتماعی به چالش‌های ناشی از تنوع و ستم می‌پردازند. سرانجام، آنها در مورد اشکال مختلف اعتماد و اعتماد اجتماعی بحث می‌کنند. اعتماد اجتماعی مورد توجه محققان فلسفه، علوم سیاسی، اقتصاد، حقوق، روانشناسی و جامعه‌شناسی خواهد بود.

### ب) تحقیقات تجربی (مقالات علمی اعتماد در خارج):

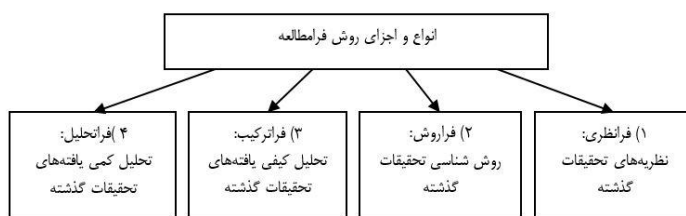
آرنوت (۲۰۰۷) به معرفی کتابشناسی تحقیقات «اعتماد» پرداخته است. سعی مقاله جمع آوری مشخصات کتابشناسی ۶۵۷ مقاله طی سالهای ۱۹۵۸ تا ۲۰۰۷ مرتبط با موضوع «اعتماد» در منابع مختلف علوم انسانی (هم چون مجله، کتاب، کنفرانس و غیره) و هم چنین براساس رشته‌های مختلف هم چون جامعه‌شناسی، روانشناسی، اخلاق، سیاست، نظام‌های اطلاعاتی، رفتار سازمانی، استراتژی و بازرگانی بوده است. استخراج و تجزیه و تحلیل آماری فهرست مورد بررسی توسط «نگارنده مقاله حاضر» معرف آن می‌باشد که تنها ۸ درصد مقالات اختصاص به سال‌های ۱۹۵۸ تا ۱۹۹۰ داشته و ۴۸ درصد مقالات مربوط به سالهای ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۰ ثبت شده است. نتایج دریافت شده نشان از اوج فوق‌العاده، چشمگیر و خیره‌کننده موضوع «اعتماد» در دو دهه ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۷ بوده است (۹۲ درصد) (جدول شماره ۲).

جدول ۲) تعداد مقالات «اعتماد» در مجلات علمی انگلیسی زبان طی سال‌های ۱۹۵۸ تا ۲۰۰۷ (منبع: نگارنده مقاله حاضر)

سال	تعداد	درصد	سال	تعداد	درصد	سال	تعداد	درصد
۱۹۶۰ تا ۱۹۵۸	۳	۰/۵	۱۹۷۱ تا ۱۹۸۰	۱۲	۱	۱۹۹۱ تا ۲۰۰۰	۳۱۳	۴۸
۱۹۶۱ تا ۱۹۷۰	۸	۱/۵	۱۹۸۱ تا ۱۹۹۰	۳۲	۴	۲۰۰۱ تا ۲۰۰۷	۲۸۹	۴۴

### ۸- فراترکیب: چیستی و کاربرد آن در مدل سازی تبیین پدیده‌های اجتماعی :

«فرامطالعه» یکی از روش‌هایی است که به منظور بررسی، ترکیب و تحلیل پژوهش‌های گذشته مورد استفاده قرار می‌گیرد. فرامطالعه به تجزیه و تحلیل عمیق کارهای پژوهشی انجام شده در یک حوزه خاص می‌پردازد و با توجه به نیازمندی پژوهش، بر چهار حوزه (۱) «فرانظری» (تحلیل نظریه‌های مطالعات گذشته)، (۲) «فراروش» (تحلیل روش‌شناسی مطالعات گذشته)، (۳) «فراترکیب» (تحلیل کیفی محتوای مطالعات گذشته) و (۴) «فرا تحلیل» (تحلیل کمی محتوای مطالعات گذشته) دلالت دارد (نمودار ۳).

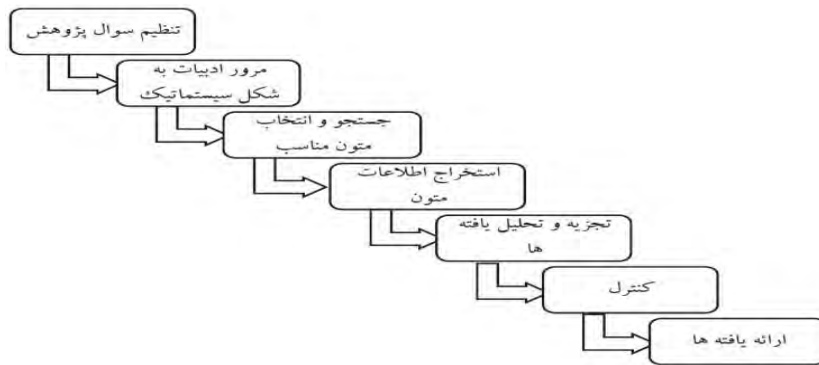


نمودار ۳) انواع چهارگانه روش‌های فرامطالعه (پاترسون و همکاران، ۲۰۰۱ و پنج و دی، ۲۰۱۰)

«فراترکیب (سنتز پژوهی)» مانند فراتحلیل، برای یکپارچه سازی چندین مطالعه برای ایجاد یافته‌های جدید و تفسیر آنها به کار می‌رود. با این حال برخلاف فراتحلیل که بر داده‌های کمی و رویکردهای آماری تأکید دارد، فراترکیب بر مطالعات کیفی و تفسیر و تحلیل عمیق آنها به دلیل فهم عمیق‌تر است (بنج و دی، ۲۰۱۰ و پاترسون و همکاران، ۲۰۰۱).

## ۹- چارچوب روش تحقیق

تحقیق حاضر از نوع کیفی بوده که در آن از روش "فرا ترکیب" استفاده شد. هفت مرحله برای انجام فرا ترکیب ارائه شده که این مراحل عبارتند از (۱) تنظیم و طرح سؤال پژوهش؛ (۲) بررسی و مرور ادبیات به شکل نظامند و سیستماتیک؛ (۳) جست و جو و انتخاب مقاله های مناسب؛ (۴) استخراج اطلاعات مقاله ها و متون؛ (۵) تجزیه و تحلیل و ترکیب یافته های کیفی؛ (۶) کنترل کیفیت و ارائه یافته ها (سندلوسکی و باروسو، ۲۰۰۷). اطلاعات تحقیق در باره «اعتماد اجتماعی» تا زمان انجام و جمع آوری اطلاعات (اردیبهشت ۱۴۰۰) با استفاده از چهار منبع اینترنتی پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (sid.ir)، پایگاه اطلاع رسانی نشریات علمی ایران (magiran.com)، پایگاه مجلات تخصصی نور (Noormags.ir)، پرتال جامع علوم انسانی (Ensani.ir) گردآوری شده است.



نمودار ۴) مراحل تحقیق فراترکیب از نظر ساندلوسکی و باروسو، ۲۰۰۷

در مجموع ۲۳۶ مقاله مندرج در مجلات علمی پژوهشی براساس کلیدواژه های «اعتماد اجتماعی» «اعتماد»، «اعتماد بین فردی»، «اعتماد بین شخصی»، «اعتماد بنیادین»، «اعتماد تعمیم یافته» برای پژوهش حاضر نهایی گردید.

## ۱۰- تجزیه و تحلیل یافته های پژوهش

الف) روند تحقیقات اعتماد اجتماعی در ایران نخستین نشر مقاله در حوزه اعتماد اجتماعی اختصاص به سال ۱۳۸۰ و ۱۳۸۲ داشته است. در مجموع ۹ مقاله موضوع تحقیق تا سال ۱۳۸۵ منتشر شده اند و از سال ۱۳۸۸ روند افزایشی در نشر مقالات حوزه اعتماد اجتماعی مشاهده می شود. ۱۹ درصد تحقیقات اختصاص به دهه اول پژوهش (سالهای ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۹) و ۸۱ درصد مقالات در دهه دوم پژوهش (سالهای ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰) ثبت شده اند. بررسی تاریخی نشر مقالات نشان از روند صعودی (افزایشی) در تحقیقات اعتماد اجتماعی در ایران طی دو دهه (سالهای ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰) داشته است و هم چنین نتایج فوق نشان از رشد شتابان و بسیار فزاینده پژوهش اعتماد اجتماعی طی دو دهه دوم پژوهش داشته است (جدول شماره ۳).

جدول ۳) توزیع فراوانی روند تحقیقات اعتماد اجتماعی در ایران بر حسب سال چاپ مقاله به تعداد و درصد

سال نشر	تعداد	درصد	سال نشر	تعداد	درصد
۱۳۸۰	۱	۰/۵	۱۳۹۰	۱۳	۵
۱۳۸۱	۰	۰	۱۳۹۱	۲۱	۹
۱۳۸۲	۱	۰/۵	۱۳۹۲	۱۸	۸
۱۳۸۳	۳	۱/۵	۱۳۹۳	۲۴	۱۱
۱۳۸۴	۵	۲	۱۳۹۴	۲۲	۹
۱۳۸۵	۱	۰/۵	۱۳۹۵	۱۶	۶
۱۳۸۶	۲	۱	۱۳۹۶	۲۰	۸
۱۳۸۷	۷	۳	۱۳۹۷	۲۶	۱۲
۱۳۸۸	۱۷	۸	۱۳۹۸	۱۶	۷
۱۳۸۹	۱۲	۵	۱۳۹۹	۱۵	۶

ب) گرایش های پژوهشی در تحقیقات اعتماد اجتماعی در ایران:

(۱) کلیات اعتماد اجتماعی در ایران: ۱۳ مقاله به «چیستی اعتماد اجتماعی در ایران» پرداخته اند که شامل مباحث عمومی، کیفی، تاریخی و نظری موضوع بوده و مبتنی بر روش کتابخانه ای (اسنادی) انجام گرفته اند: ۴ مقاله به تبیین اعتماد در ادبیات فارسی (هم چون سعدی، گرشاسب نامه، سیف فرغانی، فیض کاشانی)، پنج مقاله با جهت گیری دینی (در قرآن، اندیشه دینی و متون اسلامی، در میزان الحکمه و ازدیگاه امام موسی صدر) و چهار مقاله به کلیات اعتماد اجتماعی باتکیه بر مفهوم نظم اجتماعی، چند فرهنگی، تاثیر رسانه و بررسی تعاریف و مفاهیم اعتماد اجتماعی.



۲) وضعیت اعتماد اجتماعی در ایران: ۲۶ مقاله به «چگونگی وضعیت اعتماد اجتماعی در ایران» پرداخته اند که در چند بخش قابل تفکیک هستند:

الف) چگونگی اعتماد اجتماعی بر حسب وضعیت های اجتماعی مختلف برای نمونه دانشجویان (۵ مقاله)، جوانان (۲ مقاله)، شهروندان (۴ مقاله)، کارشناسان، روستاییان، معلمان، کودکان کار و خودرو نوشته ها (هر کدام ۱ مقاله).

ب) تحقیقات متکی بر آزمون سنجی ابزار استاندارد و معتبر اعتماد اجتماعی و بومی سازی آن با فرهنگ جامعه ایران (۱ مقاله)

ج) مقالات متکی بر مرور سابقه تحقیقات اعتماد اجتماعی در ایران (۳ مقاله).

د) مطالعه اعتماد اجتماعی بر اساس روش مقایسه ای (۵ مقاله)

۳) همبسته های اعتماد اجتماعی در ایران: یافته های پژوهش نشان از آن دارد که تحقیقی به طور مشخص به رابطه همبستگی بین اعتماد اجتماعی و سایر موضوعات اجتماعی گزارش نشده است.

۴) پیشایندهای اعتماد اجتماعی در ایران: یافته های پژوهش نشان از آن دارد که ۱۰۲ متغیر (موضوع) در خصوص شرایط و عوامل موثر بر اعتماد اجتماعی در ایران در قالب ۱۰۷ مقاله شناسایی گردیده اند. سی و چهار متغیر موثر بر اعتماد اجتماعی در ایران دارای بیشترین فراوانی گزارش شده اند که بیشترین آنها عبارتند از: دینداری (۲۸ مقاله)، احساس امنیت اجتماعی (۲۷ مقاله)، طبقه اجتماعی (۱۹ مقاله)، دگرخواهی (نوع دوستی) و رسانه های جمعی (هر کدام ۱۱ مقاله) و مابقی آن متغیرها در جدول شماره ۴ گزارش شده اند. علاوه بر آن مابقی ۶۸ عوامل موثر که هر کدام در یک مقاله گزارش شده اند (جدول شماره ۵).

#### جدول ۴) توزیع فراوانی ۳۴ موضوع فرعی پیشایندهای اعتماد اجتماعی در ایران (به ترتیب فراوانی گزارش شده در

##### تعداد مقالات علمی)

موضوع	تعداد	موضوع	تعداد	موضوع	تعداد
دینداری	۲۸	احساس امنیت اجتماعی	۲۷	طبقه اجتماعی	۱۶
دگرخواهی	۱۱	رسانه های جمعی	۱۱	رضایت از زندگی	۹
تحصیلات	۹	روابط اجتماعی	۷	بیگانگی اجتماعی	۷
عدالت اجتماعی	۷	مشارکت داوطلبانه در انجمن ها	۷	مقبولیت اجتماعی	۶
تعاملات اجتماعی	۶	مشارکت اجتماعی	۵	ادراک و نگرش به فساد	۵
انسجام اجتماعی	۵	فضای عمومی شهری	۵	سنت گرایی	۴
شبکه های اجتماعی مجازی	۴	سن	۴	همبستگی اجتماعی	۴
اینترنت	۴	تلویزیون	۳	مطبوعات	۳
ارزش های مشترک	۳	سرمایه فرهنگی	۳	فرد گرایی	۲
هنجار معاملاتی متقابل	۲	احساس محرومیت	۲	شخصیت	۲
هوش اجتماعی	۲	تعهد اجتماعی	۲	عام گرایی	۲
ریسک پذیری	۲				

#### جدول ۵) توزیع فراوانی مابقی ۶۸ موضوع فرعی پیشایندهای اعتماد اجتماعی در ایران (گزارش شده در یک مقاله)

احساس تعلق جمعی	قانون گرایی	منزلت اجتماعی	احساس انومی
حکمرانی خوب	سبک زندگی	انتظار فایده	ارزیابی عواملان دانشگاه
فقر فرهنگی	دوگانگی فرهنگی	سلامت روان	رضایت شغلی
حمایت اجتماعی	انزوای اجتماعی	پای بندی نقشها	غرب گرایی
دلبستگی	خودکنترلی	تلفن همراه	رعایت اخلاقیات
امید به آینده	فضایل انسانی مثبت گرا	تیپ شخصیتی معاشرتی	توسعه اقتصادی اجتماعی
محل سکونت	بحران هویت	میزان وقوع جرم	سود حاصله از اعتماد
هویت جنسیتی	هویت ملی	نشاط اجتماعی	اعتقاد به کار گروهی
هویت مذهبی	هویت جهانی	قانون گرایی	پنداشت از ساختار جامعه
سرمایه جمعی	سرمایه اجتماعی	شهروندی	جو عاطفی خانواده
قوم مداری	تصورات قالبی	مزاحمت های خیابانی	هویت قومی قبیله ای
پرخاشگری	دیدگاه گیری اجتماعی	پیوند اجتماعی	جامعه پذیری خانوادگی
نگرش به انصاف	نگرش به وفای به عهد	تقوا	انتظارات ارزشی
احساس بی قدرتی	ارزیابی ساختار دانشگاه	نیروی انسانی مدرسه	عملکرد دولت
سرمایه اجتماعی شبکه	رضایت از مردم	هوش اجتماعی	نگرش به اجرای قانون
اقتدار اجتماعی	ماهواره	تعهد درونی	طرحواره درمانی گروهی
نارضایتی	سلامت اجتماعی	احساس موفقیت در زندگی	وضع تاهل

۵) پساپندهای اعتماد اجتماعی در ایران:

یافته‌های پژوهش نشان از آن دارد که ۴۹ متغیر به عنوان اثرات اعتماد اجتماعی در ایران در قالب ۹۰ مقاله شناسایی شده‌اند. بیشترین اثرات اعتماد اجتماعی اختصاص به ۱۹ متغیر مشارکت اجتماعی (۲۰ مقاله) و احساس امنیت اجتماعی (۱۳ مقاله) داشته‌اند و البته گزارش مابقی متغیرهای مربوطه در جدول شماره ۶ آورده شده است. علامه بر آنها مابقی اثرات ۳۰ گانه که هر کدام از آنها در یک مقاله آمده است در جدول شماره ۷ نمایش داده شده است.

جدول ۶) توزیع فراوانی بیشترین پساپندهای اعتماد اجتماعی در ایران (به ترتیب فراوانی گزارش شده در تعداد مقالات علمی)

تعداد	اثر اعتماد اجتماعی	تعداد	اثر اعتماد اجتماعی	تعداد	اثر اعتماد اجتماعی
۴	مشارکت سیاسی	۱۲	احساس امنیت اجتماعی	۱۷	مشارکت اجتماعی
۳	رفاه اجتماعی	۴	آنومی اجتماعی	۴	وفاق اجتماعی
۲	سلامت اجتماعی	۲	سرمایه فرهنگی	۳	توسعه انسانی
۲	فرارازخانه	۲	مدارای اجتماعی	۲	هویت اجتماعی
۲	فردگرایی	۲	توسعه اقتصادی	۲	تعلق اجتماعی
۲	رفتار جامعه‌پسند	۲	نشاط و شادی	۲	شبکه‌های اجتماعی مجازی
				۲	مشارکت در طرح‌های توسعه

جدول ۷) توزیع فراوانی مابقی ۳۰ موضوع پساپندهای اعتماد اجتماعی در ایران (گزارش شده در یک مقاله)

توسعه محلی و منطقه‌ای	خودسانسوری	تکالیف شهروندی	باورهای دنیای عادلانه
اختلالات روانی	فرهنگ سیاسی	رضایت شغلی	مراجعه به باشگاه‌های ورزشی
بالندگی اجتماعی	انزوای اجتماعی	ارتباطات انسانی	رفتاردموکراتیک در خانواده
هراس اجتماعی	رفتار ناپه‌نچار	رفتار شهروندی	مشارکت ورزشی
شهروند الکترونیک	گردشگری	سلامت روانی	مصرف فرهنگی
کتابخانه‌های عمومی	کارآفرینی	تعاملات اجتماعی	کجروی فرهنگی
مشارکت شهروندی	گرایش به ایثارگری	کیفیت زندگی	نگرش به توسعه سیاسی
	تعهد اجتماعی	نزاع فردی	تعهد اجتماعی

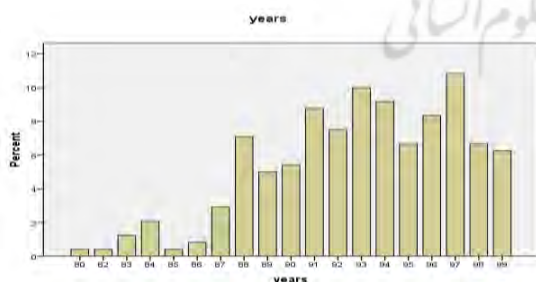
## ۱۱- بحث و نتیجه‌گیری

اعتماد اجتماعی از اجزای ضروری زندگی اجتماعی است. مفهوم اعتماد اجتماعی از مفاهیم کلیدی وکانونی جامعه‌شناسی تلقی می‌شود. علایق جامعه‌شناسان در بررسی و تبیین اعتماد در طی دو دهه اخیر رشد سریع و فزاینده‌ای از خود نشان داده است. اعتماد اجتماعی به منزله واقعیت اجتماعی محسوب می‌شود (لوپس و وایگرت، ۱۹۸۵). پژوهش حاضر به بررسی تحقیقات انجام گرفته در حوزه "اعتماد اجتماعی" طی سالهای ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰ با استفاده از فراترکیب انجام گرفت که نتایج نهایی به قرار ذیل گزارش می‌شوند:

### اول: روند تحقیقات اعتماد اجتماعی در

#### ایران:

بررسی تاریخی نشر مقالات نشان از روند صعودی (افزایشی) در تحقیقات اعتماد اجتماعی در ایران طی دو دهه (سالهای ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰) داشته است (نمودار شماره ۵). البته در دهه دوم پژوهش از رشد شتابان بسیار فزاینده برخوردار بوده است.



نمودار ۵) روند تحقیقات اعتماد اجتماعی در ایران طی سالهای

۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰

### دوم: گرایش‌های پژوهشی تحقیقات اعتماد اجتماعی در ایران:

نتایج استفاده از روش "فراترکیب" تحقیق را قادر به "ساخت و طراحی مدل جامع تبیین اعتماد اجتماعی در ایران" نموده است. بر اساس مدل پیشنهادی اعتماد اجتماعی قابل تفکیک و تبیین در چهار بخش بوده است. نتایج نهایی تحقیق نشان داد که

گرایشهای پژوهشی به ترتیب فراوانی در چهار بخش پیشایندها (۱۰۷ مقاله و ۱۰۲ متغیر) (۴۶ درصد)، پسایندها (۸۸مقاله و ۴۹ متغیر) (۳۸ درصد)، وضعیت (۲۵ مقاله) (۱۱ درصد) و کلیات (۱۳مقاله) (۵ درصد) طبقه بندی شده اند (جدول شماره ۸).

جدول ۸) انواع تحقیقات اعتماد اجتماعی در ایران طی سالهای ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰ به تعداد و درصد

درصد	تعداد	گرایشهای پژوهشی
۱۱	۲۶	تحقیقات وضعیت اعتماد اجتماعی در ایران
۵	۱۳	تحقیقات کلیات اعتماد اجتماعی در ایران
۴۶	۱۰۷	تحقیقات پیشایندهای اعتماد اجتماعی در ایران
۳۸	۹۰	تحقیقات پسایندهای اعتماد اجتماعی در ایران
۰	۰	تحقیقات همیسته های اعتماد اجتماعی در ایران
۱۰۰	۲۳۶	جمع کل

یافته های نهایی پژوهش در خصوص دو بخش پیشایندها و هم چنین پسایندهای اعتماد اجتماعی در ایران به قرار ذیل گزارش می شود (نمودار شماره ۶):

۱) پیشایندهای اعتماد اجتماعی در ایران: نتایج نهایی پژوهش نشان داد که ۱۰۷ مقاله مندرج در مجلات علمی پژوهشی اختصاص به بررسی و معرفی شرایط و عوامل موثر بر اعتماد اجتماعی در ایران داشته اند. (۴۶ درصد). عوامل متعدد اجتماعی و فرهنگی در شکل گیری اعتماد اجتماعی در ایران موثر بوده اند. دینداری، احساس امنیت اجتماعی، وضعیت طبقات اجتماعی، دگرخواهی (نوع دوستی)، رسانه های جمعی، تحصیلات و رضایت از زندگی بیشترین مقالات در خصوص عوامل موثر بر اعتماد اجتماعی گزارش شده اند. ۱۰۲ متغیر به منزله پیشایندهای اعتماد اجتماعی در ایران شناسایی شده اند که بیشترین آنها اختصاص به دینداری (۲۸ مقاله)، احساس امنیت اجتماعی (۲۷ مقاله)، طبقه اجتماعی (۱۹ مقاله)، دگرخواهی (نوع دوستی) و رسانه های جمعی (هر کدام ۱۱ مقاله)، تحصیلات و رضایت از زندگی (هر کدام ۹ مقاله) داشته است.

۲) پسایندهای اعتماد اجتماعی در ایران: نتایج نهایی پژوهش معرف آن بوده که ۸۸ مقاله مندرج در مجلات علمی پژوهشی مربوط به بررسی و معرفی پسایندهای اعتماد اجتماعی در ایران بوده اند (۳۸ درصد). اعتماد اجتماعی در ایران دارای اثرات، پیامدها، نتایج و کارکردهای مختلفی بوده است. ۴۹ متغیر به منزله پسایندهای اعتماد اجتماعی در ایران شناسایی شده اند. بیشترین مقالات علمی در باره اثرات اعتماد اجتماعی اختصاص به به دو متغیر مشارکت اجتماعی (۲۰ مقاله) و احساس امنیت اجتماعی (۱۳ مقاله) داشته اند. اعتماد اجتماعی موجب افزایش دو موضوع مشارکت اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی شده است که البته اعتماد اجتماعی دارای اثرات دیگری نیز بوده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۴) پیشاپینندهای اعتماد اجتماعی در ایران (شرایط و عوامل مؤثر):

(۱۰۷ مقاله و ۱۰۲ متنغیر) (۴۶ درصد):

دینداری (۲۸ مقاله)، احساس امنیت اجتماعی (۲۷ مقاله)، طبقه اجتماعی (۱۹ مقاله)، دگرخواهی (نوع دوستی) و رسانه‌های جمعی (هر کدام ۱۱ مقاله)؛ تحصیلات و رضایت از زندگی (هر کدام ۹ مقاله)، روابط اجتماعی (۸ مقاله)، بیگانگی اجتماعی و عدالت اجتماعی، مشارکت دوفالانه در اخراجین ها (هر کدام ۷ مقاله)، تعاملات اجتماعی (ازبازی و انزواگری)، مشارکت اجتماعی و مقبولیت اجتماعی (هر کدام ۶ مقاله)، فضای عمومی شهری (ازبازی عمومی)، انضمام سازمان اجتماعی، فساد (ادراک و تکوینش به آن)، سن (هر کدام ۵ مقاله)، اینترنت، سنت گرایی، شبکه‌های اجتماعی (ازبازی)، همبستگی اجتماعی (هر کدام ۴ مقاله)، سرمایه فرهنگی (۳ مقاله)، تلویزیون، مطبوعات و ارزشهای مشترک (هر کدام ۳ مقاله)، شخصیت، فردگرایی، عام گرایی، هنجار (معامله متقابل، احساس محوریت، عهد اجتماعی، هویت اجتماعی و ریسک پذیری (هر کدام ۲ مقاله).

حکمرانی خوب، سبک زندگی، شهروندی، احساس تعلق جمعی، قانون گرایی، قانون گیری، هوش اجتماعی، محل سکونت، نیروی انسانی مدرسه، فضایل انسانی مثبت گرا امید به آینده، تقوا، دلچسپی، خودکنترلی، پیوند اجتماعی، انزوای اجتماعی، حمایت اجتماعی، فقر فرهنگی، نوگرایی فرهنگی، مراحمتهای خیرانه، سرمایه جمعی، سرمایه اجتماعی، انتظارات از روشی، هویت مذهبی، هویت جهانی، هویت جنسیتی، هویت ملی، هویت قومی قبیله‌ای، میزان هویت، جامعه پذیری خلودادگی، پرخاشگری، دیدگاه گیری اجتماعی، تگوش به اجرای قانون، قوم مداری، تصورات قالبی، عملکرد دولت، احساس این قدرتی، ازبازی ساختار دانشگاه، ازبازی عاملان دانشگاه، تگوش به انصاف، تگوش به وفای به عهد، احساس انومی، سرمایه اجتماعی شبکه، رضایت از مردم، رضایت شغلی، اقتدار اجتماعی، منزلت اجتماعی، نارضایتی، انتظار فایده، رضایت اخلاقیات، طرحواره درونی گروهی، گروهی، سلامت روان، توسعه اقتصادی اجتماعی، وضع تامل، پای بندی نقشها، سود حاصله از اعتماد، تعهد پذیری، اعتقاد به کار گروهی، احساس موفقیت در زندگی، تپ شخصیتی معاشرتی، پنداشت از ساختار جامعه، تلفن همراه، ماهواره، غرب گرایی، میزان وقوع جرم و جو عاطفی خانواده، سلامت اجتماعی و نشاط اجتماعی (هر کدام در مقاله)

۱) کلیات اعتماد اجتماعی

در ایران (۱۳ مقاله) (۵ درصد):

شامل ساجت عمومی در خصوص چستی سلامت نظری و مفهومی آن و دیدگاههای اسلام

۲) وضعیت و اعتماد اجتماعی در ایران (۲۶ مقاله) (۱۱ درصد):

آزمون سنجی، اعتباریابی و مقایسه الگوهای مختلف و سنجش آن در گروههای مختلف اجتماعی و مرور تحقیقات

۲) پیشاپینندهای اعتماد اجتماعی در ایران:

(۱۰۶ مقاله و ۶۹ متنغیر) (۳۸ درصد):

مشارکت اجتماعی (۲۰ مقاله) و احساس امنیت اجتماعی (۱۳ مقاله)، مشارکت سیاسی (۵ مقاله)، انومی اجتماعی، وفای اجتماعی (هر کدام ۴ مقاله)، قوه اجتماعی، توسعه انسانی (هر کدام ۳ مقاله)، فشار مطلوب اجتماعی، جامعه پسندی، هویت اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی، سرمایه پسند، فرهنگی، سلامت اجتماعی، مدارای اجتماعی، فرار از جمله، تعلق اجتماعی، توسعه اقتصادی، مشارکت در طرحهای توسعه، نشاط و شادی و فرد گرایی (هر کدام ۲ مقاله).

تکالیف شهروندی، توسعه معنوی و منطقی، خود سانسوری، رضایت شغلی، فرهنگ سیاسی، اختلالات روانی، ارتباطات انسانی، انزوای اجتماعی، رفتار هموگراییک در خانواده، رفتار شهروندی، رفتارنامه هنجار کجروی فرهنگی، سلامت روانی، شهروند الکترونیک، کارآفرینی، کتابخانه های عمومی، کیفیت زندگی، تگوش به ایثارگری، گودینگری، مشارکت شهروندی، نزاع فردی، عهد اجتماعی، تعاملات اجتماعی، هراس اجتماعی، معرف فرهنگی، تگوش به توسعه سیاسی، بالندگی اجتماعی، مشارکت ورزشی، مراجعه به باشگاه های ورزشی و پاروهای دبای عادلانه (هر کدام در مقاله)

نمودار شماره ۶) نتیجه گیری نهایی پژوهش: انواع چهارگانه تحقیقات اعتماد اجتماعی در ایران طی سالهای ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰ (تعداد ۲۳۵ مقاله)

## منابع

۱. آزاد ارمکی، تقی و افسانه کمالی. (۱۳۸۳). اعتماد، اجتماع و جنسیت؛ بررسی تطبیقی اعتماد متقابل در بین دو جنس. مجله جامعه‌شناسی ایران. دوره پنجم. شماره ۳، تابستان، صفحات ۱۰۰ تا ۱۳۲.
۲. آزاد ارمکی، تقی و تن ناز اسدی دربندی (۱۳۸۹). سرمایه اجتماعی و تاثیر آن بر جامعه‌شناسی در ایران، مجموعه چکیده مقالات کنفرانس ملی پژوهش اجتماعی و فرهنگی در جامعه ایران، انجمن جامعه‌شناسی ایران و دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، ۵ و ۶ دی ماه، صفحه ۱۶.
۳. ازکیا، مصطفی و غلامرضا غفاری. (۱۳۸۰). بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در نواحی روستایی شهر کاشان، نامه علوم اجتماعی، بهار و تابستان، دوره ۹، شماره ۱۷، صفحات ۳ تا ۳۱.
۴. امیرکافی، امیر مهدی. (۱۳۸۰). اعتماد اجتماعی و عوامل موثر بر آن، فصلنامه نمایه پژوهش، سال پنجم، تابستان، شماره ۱۸، صفحات ۱۰-۴۲.
۵. اینگلهارت، رونالد. (۱۳۷۳). «تحول فرهنگی در جوامع پیشرفته صنعتی»، ترجمه مریم وتر، تهران: انتشارات کویر.
۶. اوجاقلو، سجاد و محمد جواد زاهدی. (۱۳۸۴). بررسی اعتماد اجتماعی و عوامل موثر بر آن در شهر زنجان، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۴، زمستان، صفحات ۹۲ تا ۱۲۵.
۷. تاجبخش، کیان. (۱۳۸۴) سرمایه‌های اجتماعی: دموکراسی و توسعه، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: انتشارات شیرازه.
۸. پاتنام، رابرت. (۱۳۸۰). دموکراسی و سنت‌های مدنی، ترجمه: محمد تقی دلفروز، تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور.
۹. پیران، پرویز. (۱۳۹۲). مبانی مفهومی و نظری سرمایه اجتماعی، تهران، نشر علم.
۱۰. جواهری، فاطمه و قادر بالاخانی. (۱۳۸۵). رسانه جمعی و اعتماد: بررسی تأثیر رسانه‌های جمعی بر اعتماد اجتماعی (مطالعه موردی شهروندان تهرانی)، مجله علوم اجتماعی، بهار و تابستان، شماره ۱، صفحات ۱-۲۹.
۱۱. چلبی، مسعود. (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی نظم، تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی، تهران، نشر نی.
۱۲. رشادی، منوچهر. (۱۳۹۹). بررسی ارتباط میان اعتماد و مشارکت اجتماعی (مورد مطالعه: شهروندان شهرهای استان همدان)، مجله مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره نهم، شماره ۴، زمستان، صفحات ۹۱۱ تا ۹۳۰.
۱۳. ریتز، جورج. (۱۳۸۶). نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علم.
۱۴. زتومکا، پیوتر. (۱۳۸۶). نظریه جامعه‌شناختی اعتماد، ترجمه: غلامرضا غفاری، تهران: انتشارات شیرازه.
۱۵. کاظمی پور، عبدالمحمد. (۱۳۸۱). «سرمایه اجتماعی در ایران»، تهران: انتشارات طرح‌های ملی، چاپ اول.
۱۶. کرمی، ابوالفضل، محمد صادق مهدوی و مصطفی ازکیا. (۱۳۹۹). نقش سرمایه فرهنگی در تقویت اعتماد اجتماعی در ایران، مجله سیاست‌های راهبردی کلان، شماره ۳۲، زمستان، صفحات ۷۵ تا ۸۸.
۱۷. کلمن، ج. (۱۳۷۷). بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
۱۸. گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۷). پیامدهای مدرنیته، تهران: نشر مرکز.
۱۹. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۸). تجدد و تشخص، ترجمه: ناصر موفقیان، تهران: انتشارات نی.
۲۰. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۸). جامعه‌شناسی، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: انتشارات نی، چاپ پنجم.
۲۱. گنجی، محمد، شیوا آقازرگی زاده و حدیثه شمس. (۱۳۹۹). تبیین وضعیت اعتماد اجتماعی در بین شهروندان شهرکاشان، مجله مطالعات جامعه‌شناختی شهری، سال دهم، شماره ۳۷، زمستان، صفحات ۱۰۲ تا ۱۳۰.
۲۲. عباس‌زاده، محمد. (۱۳۸۳). عوامل موثر بر شکل‌گیری اعتماد اجتماعی دانشجویان، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، زمستان، سال چهارم، شماره ۱۵، صفحات ۲۷۲ تا ۲۹۲.
۲۳. علی‌پور، پروین، محمد جواد زاهدی و ملیحه شیانی. (۱۳۸۸). اعتماد و مشارکت؛ بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت در شهر تهران، مجله انجمن جامعه‌شناسی ایران، دوره دهم، شماره ۲، تابستان، صفحات ۱۰۹-۱۳۵.
۲۴. فوکویاما، فرانسیس. (۱۳۷۹). پایان نظم؛ سرمایه اجتماعی و حفظ آن. ترجمه غلامعباس توسلی. تهران: جامعه ایرانیان.
۲۵. مرتضوی امامی زواره، علی، امیر محمد حاجی یوسفی. (۱۳۹۹). بررسی رابطه بین میزان اعتماد در سرمایه اجتماعی با میزان مدارای اجتماعی و ملی (مورد مطالعه دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه تهران)، پژوهشنامه علوم سیاسی، شماره ۶۱، زمستان، صفحات ۱۶۵ تا ۱۹۰.
۲۶. مستولی زاده، محمد. (۱۳۹۹). بررسی تاثیر اعتماد اجتماعی بر توسعه باتاکید بر شاخص توسعه انسانی در سالهای ۲۰۱۶-۱۹۸۰، مجله راهبرد توسعه، شماره ۶۱، بهار، صفحات ۵۶ تا ۷۸.
۲۷. میترال، باربارا. (۱۳۸۰). بررسی مفهوم اعتماد در میان جامعه‌شناسان کلاسیک، ناصرالدین غراب، فصلنامه نمایه پژوهش، سال پنجم، شماره ۴۸، تابستان، صفحات ۶۸-۵۵.

۳۰. میتزال، باربارا. (۱۳۸۰). اعتماد اجتماعی در جامعه مدرن، ناصرالدین غراب، فصلنامه نمایه پژوهش، سال پنجم، شماره ۴۸، تابستان، صفحات ۹۷ و ۹۸.
۳۱. نجفی، زهرا، منوچهر پهلوان و علی اصغر عباسی اسفنجیر. (۱۳۹۹). بررسی نقش اعتماد اجتماعی در امنیت اجتماعی زنان (مورد مطالعه: زنان ۶۴-۱۵ ساله شهر بابل)، مجله مطالعات پلیس زن، شماره ۳۳، پاییز و زمستان، صفحات ۲-۱۶.
32. Arnott DC (2007) Research on trust: A bibliography and brief bibliometric analysis of the special issue submissions. *European Journal of Marketing* 41(9/10): 1203–1240.
33. Barbalet, J.M. (1996). Social Emotions: Confidence, Trust, and Loyalty. *International Journal of Sociology and Social Policy* 16(9/10):75-96.
34. Barbalet, J.M. (2009). A characterization of trust, and its consequences. *Theory and Society*, V.38:367-382.
35. Barbalet.J. (2019a). The Experience of Trust : Its Content and Basis, Chapter1, PP11–30 In *Trust in Contemporary Society* by Masamichi Sasaki, Publisher: Brill.
36. Barbalet.J. (2019b). Trust: Condition of action or condition of appraisal. *International Sociology*, V.34, N.1:83-98.
37. Barber, B. (1983). *The Logic and Limits of Trust*. New Brunswick, N.J.: Rutgers University Press
38. Bench, S, & Day, T. (2010) "The user experience of critical care discharges: a meta-synthesis of qualitative research", *International journal of nursing studies*, 47(4): 487-499.
39. Cook, K. S (2001). *Trust in society*, New York: Russell Sage.
40. Cook, K.S. and A. Gerbasi. (2009 ). Trust, pp 218-241 in *The Oxford Handbook of Analytical Sociology*, Edited by Peter Bearman and Peter Hedström. Oxford Press.
41. Dellmuth, lisa Maria, Tallberg, Jonas (2020), Why national and international legitimacy beliefs are linked: social trust as an antecedent factor, *The review of international organizations*, Vol 15, Pp 311-337.
42. Gross, K, S. Aday, and P. R. Brewer (2004). A Panel Study of Media Effects on Political and Social Trust After September 11, 2001, *Harvard International Journal of Press/Politics*, V.9, N.4: 49-73
43. Lewis, J.D, and A.J. Weigert. (1985). Trust as a social reality. *Social Forces*, V.4, N.5: 967-985.
44. Lewis, J.D, and A. Weigert. (2012). The Social Dynamics of Trust: Theoretical and Empirical Research, 1985-2012. *Social Forces*, V.91, N. 1: 25-31
45. Levi, M. 2001. "Trust, Sociology of". In *International Encyclopedia of the Social and Behavioral Sciences*, vol. 23: 15922–26, edited by Neil J. Smelser and Paul B. Baltes. Oxford, UK: Elsevier.
46. Lyon, F. (2000). Trust, Network and Norm's: The Creation of Social Capital in Agricultural Economies in Ghana, *World Development*, V. 28, N. 4:663-682.
47. Marsh.R. (2019). Social Trust in Japan and Taiwan: A Test of Fukuyama's Thesis. In *Trust in The Contemporary Society*, 210-229, edited by Masamichi Sasaki, Boston, Brill.
48. Misztal, B. (1996). *Trust in Modern Societies*, Cambridge: polity press.
49. Møllering, G. (2006). *Trust: Reason, Routine, Reflexivity*. Oxford, UK: Elsevier Ltd.
50. Onyx, J., & Bullen, P. (2000). Measuring social capital in five communities. *The Journal of Applied Behavioural Science*, 36, 23-42.
51. Patterson, B., Thorne, Calnan, C., & Jillings, C. (2001) Meta- study of qualitative health research: a practical guide to meta-analysis and meta-synthesis. California press.
52. Portes, A., & Sensenbrenner, J. (1993). Embeddedness and immigration: Notes on the social determinants of economic action. *American Journal of Sociology*, 98, 1320–1350.
53. Putnam (1993) *The Prisperious Community; Social Capital and Public Life*, New York: American Prospect.
54. Putnam, Robert. (2000) *Bowling Alone: The Collapse and Renewal of American Community*. New York: Simon and Schuster.
55. Sandelowski, M.; Barros, J. (2007), *Handbook for synthesizing qualitative research*, Springer publishing company Inc.
56. Sasaki.M. and R. Marsh. (2012). *Trust: Comparative Perspectives*. Publisher : Brill
57. Schilke.O. M. Reimann. and K. S. Cook. (2021). Trust in Social Relations, to appear in *Annual Review of sociology*, vol. 47, 2021)
58. Stone, W. (2001) "Measuring Social Capital: Towards a Theoretically Informed Measurement Framework for Researching Social Capital in Family and Community Life" *Research Paper No.24*, Australian Institute of Family Studies, Melbourne.
59. Sztompka, Piotr. (2001 ). Trust: Cultural Concerns". In *International Encyclopedia of the Social and Behavioral Sciences*, vol. 23: 15913–17, edited by Neil J. Smelser and Paul B. Baltes. New York: Elsevier
60. Vallier, K, and M. Weber. (2021). *Social Trust: Foundational and Philosophical Issues (Routledge Studies in Contemporary Philosophy)* 1st Edition. : Routledge;
61. Verducci S., Schröer A. (2020) Social Trust. In: List R., Anheier H., Toepfer S. (eds) *International Encyclopedia of Civil Society*. Springer, Cham. [https://doi.org/10.1007/978-3-319-99675-2\\_68-1](https://doi.org/10.1007/978-3-319-99675-2_68-1)
62. Weber, L.R., and Carter, A.I. (2002). *The Social Construction of Trust*. New York, NY: Springer.